

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





پیام عرش به فرش

شناسنامه کتاب:

عنوان کتاب پیام عرش به فرش
موضوع اطلاعات علوم قرآنی
مؤلف سید حسن موسوی خراسانی
چاپ سوم ۱۳۹۵
تعداد صفحات ۱۷۶
شمارگان ۱۰۰۰ نسخه
طرح جلد رسول اقلیدی
شابک ۵-۸۵-۶۳۴۰-۹۶۴-۹۷۸
ISBN 978-964-6340-85-5





مقدمه

مؤمنی که دلش به نور ایمان روشن است، زبانش هم‌چون زبان بلبلان باغ ترانه می‌خواند. همچنان‌که جسم آدمی به غذا نیازمند است، روح او نیز محتاج تغذیه است. تغذیه روح با ارتباط به جهان بی‌نهایت حاصل می‌گردد. اگر جسم تقویت شود ولی روح فراموش گردد، انسان سقوط و تنزل خواهد نمود. اتصال به عالم غیب و شنا کردن در دریای بی‌کرانه معنویت، فرد و جامعه را



جاودانه می‌سازد. در عصر حاضر به دلیل گرایش‌های مادی فراوان، بسیاری به دنبال کسب مال و منال می‌روند ولی گروه مؤمنان راستین و دلباختگان وادی عشق الهی دلخوش و سرمست از باده حُبّ خدایند و دنیا را قنطره و پلی برای عبور بیش نمی‌بینند. اینان را آوای روح‌بخش قرآن مجید و زمزمه‌های دعای سحرگهان، نشاط می‌دهد و بس.

پیروان حق، خبر راست و درست را از قرآن می‌گیرند و تکلیف امروز را نیز در این مجموعه مقدّس جستجو می‌کنند و سرنوشت آینده عالم را نیز در این کتاب آسمانی می‌جویند چرا که امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

«فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ»^۱

اینان از قرآن درس‌های عبرت می‌گیرند، زیرا می‌دانند که: إِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ^۲ و بر سر سفره قرآن زندگی می‌کنند که پیشوای اسلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةٌ لِلَّهِ فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدِبَةِ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۳۱۳.

۲ - غرر الحکم، صفحه: ۳۱۸.



حقیقتاً این قرآن سفره‌ی گسترده‌ی خداوند است، پس پیام بگیرید از این سفره گسترده خدا تا جایی که آمادگی دارید.

مؤمنان راستین امواج فتنه و بلا را نیز به وسیله دعا و ارتباط با خدا از خود دفع می‌کنند که مولایشان علی (علیه السلام) فرمود:

«إِذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ»^۲

امواج بلا را بوسیله دعا از خود دفع کنید.

مؤمنان با ترنم دعا کلید پیروزی و خوشبختی را در دست گرفته‌اند زیرا می‌دانند که:

«الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ التَّجَاحُثِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ»^۳

در دعا کلیدهای پیروزی و رشته‌های گردنبند رستگاری است. و خلاصه اینکه افراد با ایمان به حق عمل، و به حق قضاوت می‌کنند، چرا که سرور مؤمنان عالم حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«إِعْمَلْ بِالْحَقِّ لِيَوْمٍ لَا يُقْضَى فِيهِ إِلَّا بِالْحَقِّ»^۴

۱ - وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه: ۱۶۸.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶.

۳ - کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲۰، صفحه: ۲۵۳.



به حقّ عمل کن برای روزی که در آن جز به حقّ قضاوت نخواهد شد.

مجموعه حاضر که اطلاعاتی قرآنی است در سال ۱۳۷۶ به همراه بحث دعا تحت عنوان **جلوه‌های عشق و کمال** به چاپ رسیده بود و در آستانه ماه رمضان ۱۴۲۵ با همکاری و پیگیری فرمانده محترم وقت پایگاه مقاومت بسیج مسجد جامع آباده

جانباز شهید حاج علی اکبر شمشیری رحمته الله

بنابراین شد فصل قرآنی آن که مجموعه‌ای از اطلاعات قرآنی است به طور مستقل چاپ و منتشر شود.

کتابی که پیش روی شماست مجموعه‌ای از اطلاعات قرآنی است که به طور مستقل چاپ و منتشر می‌شود، نوشته حاضر حاصل این تلاش مجدد است که امید می‌رود مورد استفاده همگان قرار گیرد و مؤمنان در مظانّ استجابت دعا ما را فراموش نفرمایند.

سید حسن موسوی خراسانی

تجدید نظر جهت چاپ مجدد

ذیحجه الحرام ۱۴۳۷ هجری قمری

شهریور ماه ۱۳۹۵ هجری شمسی

فصل اول

نام قرآن در قرآن
قرآن از زبان قرآن
مشخصات ظاهری قرآن
طبقه بندی موضوعات و ...



نام قرآن در قرآن

بیش از پنجاه و سه آیه تحت عنوان لغت قرآن یا کتاب آمده است، همان کتابی را که او به عنوان هدایت بشر به نام (ذکر) نازل کرد و حفظ آن نیز تضمین نمود:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱

قرآن از زبان قرآن

قرآن کتاب وحی الهی است که در مدت بیست و سه سال از سوی خدا توسط امین وحی (جبرئیل) بر قلب رسول اکرم (ﷺ) نازل گردید و در زمان خود او و با دستور آن حضرت به صورت سوره‌های طولانی و کوتاه جمع آوری شد و از سوی اندیشمندان عالم مورد استقبال بی‌سابقه‌ای قرار گرفت و نظر به اینکه در آن زمان فصاحت و بلاغت رواج عجیبی داشت، طرفداران این هنر نیز در پیشگاه این کتاب فصیح و بلیغ زانوی ادب به زمین زدند. از دوران نزول این کتاب عظیم آن قدر کتاب درباره آن نگاشته اند که به قول یکی از بزرگان اگر کتاب‌هایی که



خاصّ تفسیر و مفاهیم علوم قرآن نوشته شده است در مکانی جمع آوری شود، بزرگ‌ترین کتابخانه جهان را تشکیل خواهد داد.^۱

مشخصات ظاهری قرآن

این کتاب دارای ۳۰ جزء، ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه می‌باشد که ۲۰ سوره آن مدنی و ۸۲ سوره مکی و ۱۲ سوره مورد اختلاف است. کوتاه‌ترین؛ سوره کوثر و بلندترین؛ سوره بقره می‌باشد. اولین سوره‌ای که نازل شد؛ علق است و آخرین سوره؛ سوره مبارکه نصر می‌باشد. بلندترین آیه؛ آیه ۲۸۲ سوره بقره و کوتاه‌ترین آیه؛ (طه) می‌باشد. در دسته‌بندی که محققان علوم قرآن به عمل آورده‌اند، در این کتاب آسمانی شریف ۱۰۰۰ آیه مربوطه به امر و دستور، ۱۰۰۰ آیه نهی و منع است، عبرت و مثل و پند ۱۰۰۰ آیه، حکمت و قصه‌ها ۱۰۰۰ آیه، اذکار و دعاها ۱۰۰۰ آیه، متفرقات ۳۵ آیه، وعده به نعمت و بهشت الهی ۱۰۰۰ آیه، وعید یعنی اشاره به عذاب و نقمت ۱۰۰۰ آیه می‌باشد.



طبقه بندی موضوعات

طبیعت و جهان‌شناسی

سوره‌هایی که مربوط به طبیعت و جهان‌شناسی است: بقره، فیل، نحل، نمل، عنکبوت، شمس، نور، قمر، نجم، دخان، حدید، لیل، زلزله، انسان و... که جمعاً ۳۱ سوره را تشکیل می‌دهند.

جهان بینی دینی

سوره‌هایی که موضوعات عقیدتی و جهان بینی دارند مانند: اعراف، قیامت، قارعه، واقعه، الحاقه، النازعات، غاشیه، قدر، فرشته، حشر، مرسلات، تکویر، انفطار و انشقاق، که جمعاً ۲۹ سوره است.

اجتماعی سیاسی

سوره‌هایی که به نقل طبقات جامعه از نظر سیاسی و طبقاتی پرداخته اند مانند: احزاب، مؤمنون، شوری، نساء، شعراء، فتح، منافقون، روم، که جمعاً ۲۷ سوره‌اند.

تاریخ

سوره‌هایی به موضوع قصه گذشتگان برای عبرت آیندگان پرداخته و اشاره به تاریخ اقوام و ملل نموده‌اند که رقم این سوره‌ها ۱۷ مورد از جمله: آل عمران، یونس، لقمان، بنی اسرائیل، قصص، انبیاء، هود، یوسف، ابراهیم، نوح، مریم، کهف، قریش، احقاف و حجر.



اخلاق

برخی از سوره‌ها بحث‌های اخلاقی و نوع معاشرت را موضوع خویش دارند، از جمله: حجرات، عبس، هُمَزَه، مَطْفِقین، ماعون و تحریم که ۶ سوره‌اند.

اقتصاد

سوره‌هایی به مسایل مالی و اقتصادی اشاره دارند که عبارتند از: انفال، توبه، مائده، تکوثر و انعام که ۵ سوره‌اند.

شعائر دین

سوره‌هایی هم موضوع عبادات و شعائر دینی را دارند که عبارتند از: حج و سجده که دو سوره‌اند.

کسانی که قرآن را فقط یک کتاب عبادی می‌دانند و با سطحی نگری به عنوان ورد و ذکر فقط آن را می‌شناسند و شاید از سیاسی و اقتصادی بودن آن خبری ندارند را به آمار فوق دعوت می‌نمائیم تا اینکه ببینند و آیات مربوط به طبیعت را با احکام دینی عبادی مقایسه نمایند.

اطلاعات آماری

برای قرآن ۸۴ نام از خود قرآن آورده‌اند که مشهورترین آنها همین قرآن است. جبرئیل بر انبیاء پیشین هم نازل می‌شده است که گفته‌اند: بر حضرت آدم (ع) ۱۲ مرتبه، بر حضرت ادریس (ع) ۴ مرتبه، بر حضرت نوح (ع) ۵۰ بار، بر ابراهیم (ع) ۴۲ بار، بر موسی (ع) ۴۰۰ بار و بر رسول خاتم (ع) ۲۴۰۰ مرتبه از سوی خدا نازل و پیام آورده است.

علّت و سببی که باعث نزول آیه‌ای می‌شده است را شأن نزول می‌گویند. تعداد معینی از آیات قرآن را که مجموعاً دارای اسم خاص است را سوره می‌گویند.

در آغاز ۲۹ سوره، حروف مقطعه قرار دارند.

سوره‌های سجده‌دار را سوره‌های (عزائم) نامیده‌اند، زیرا عزم و اراده بر سجده در آن هست که نام سوره‌های سجده‌دار عبارتند از: سوره‌های سجده، فصلّت، نجم، علق.

به هفت سوره بلند قرآن، طُوال نام داده‌اند که عبارتند از: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال و توبه.

سوره‌های حوامیم سوره‌هایی‌اند که با (حم) شروع می‌شوند که هفت سوره می‌باشند: مؤمن، فصلّت، شوری، زخرف، دخان، جائیه.

بعضی از سوره‌ها نیز با (سِّح) یا (سبْحان) یا (یُسِّح) شروع شده‌اند که (مَسبِّحات) نام دارند و ۷ سوره‌اند: اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اُعلی.

سوره‌هایی که با (حمد) شروع شده‌اند ۵ سوره‌اند: فاتحه، انعام، کهف، سبأ، فاطر.

سوره‌هایی که با (قل) شروع می‌شوند که ۵ سوره می‌باشند و عبارتند از: جن، کافرون، توحید، فلق، ناس و این سوره‌ها به (پنج قل) مشهورند.

سوره‌های که حروف مقطعه آن با حروف (ط) آغاز شده‌اند را (طواسین) گویند که سه سوره‌اند: شعرا، نحل، قصص.



سوره‌های (معوذتین) به خدا پناه بردن عبارتند از: ناس، فلق که با (قل اعوذ) شروع شده‌اند، می‌باشد.

سوره (سبع المثانی) سوره حمد است و دلیل این نام این است که دو بار نازل شده است یا در نماز دوبار خوانده می‌شود و یا اینکه در زبان مردم زیاد تکرار می‌شود و هفت آیه دارد.

سه صوت دوست داشتنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ»

خدا سه صدا را دوست دارد.

الف: صدای خروس (که سحر با مناجاتش خفتگان را بیدار می‌کند)

(صَوْتِ الدِّيَكِ)

ب: صوت قاری قرآن (که با لحن خویش کلام خدا را رواج می‌دهد)

(وَصَوْتِ قَارِي الْقُرْآنِ)

ج: صدای توبه کنندگان در سحر (که با استغفار دل خویش را از

گناه پاک می‌کند) (وَصَوْتِ الَّذِينَ يَسْتَغْفِرُونَ بِاللَّسَّانِ)

پنج امتیاز در تدوین قرآن

به یقین تدریس و یاد دادن قرآن اجر و ارج مهمی دارد. می‌گویند: معلّمی که به فرزند امام حسین (علیه السلام) سوره‌ای را تعلیم داده بود را امام با پر کردن دهانش از طلا یا اشیاء قیمتی تشویق فرمود.

رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ أَرْدُقَرَّ» اگر می‌خواهید:

۱- «عَيْشَ السُّعْدَاءِ» زندگانی افراد سعادت‌مند را.

۲- «وَمَوْتَ السُّهْدَاءِ» مرگی همانند مردن شهیدان راه خدا را.

۳- «وَالنَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ» نجات در روز حسرت.

۴- «وَالظِّلَّ يَوْمَ الْحُرُورِ» وسایه در میان آفتاب سوزان قیامت و

محشر را.

۵- «وَالْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ» هدایت درروز پر مخاطره و گمراهی

را.

۶- «فَأَدْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَحِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ

رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ»



پس قرآن را بخوانید زیرا آن کلام خدای رحمان و موجب حفظ و سوسه شیطان و سنگینی اعمال خوب در قیامت می‌باشد.^۱

در این قسمت از بحث قرآن بناست به برخی از آگاهی‌های دیگر نسبت به قرآن مجید اشاره کنیم. باشد که از پرتو خورشید نورانی قرآن بهره‌های بیشتر نصیب گردد.

توصیف قرآن در احادیث

لقب‌هایی را که ائمه دین به کتاب خدا داده‌اند و هر کدام از آن‌ها به زاویه‌ای از زوایای فیض قرآن اشاره دارد، فراوان است که از آن جمله است:

معجزه جاوید ، پیشوا و امام ، بهترین ذکر، شفای از بزرگترین مرض‌ها، بی‌نیازی ، علم کامل و ...
در خصوص آداب تلاوت و خواندن آن گفته‌اند: با رعایت نظافت و با گفتن (اعوذ بالله) و با ترتیل و اندیشه و تفکر و با حزن و اندوه قرائت شود. برای امور دنیا قرائت نگردد. شنیدنش ثواب و فضیلت دارد. رعایت ادب لازم است و تفسیر به رأی ممنوع است، حفظ و یادآوری صحیح و شام آن مورد سفارش و تاکید فراوان است.^۲

۱- بحار الانوار، ج ۸۹، ص: ۱۹.

۲- بحار الانوار، ج ۸۹.

قرآن دارای ۱۱۴ سوره است.

سوره‌هایی که از مسائل اخلاقی و طرز سلوک و رفتار انسانی بحث می‌کند از این قرارند: حجرات، عبس، همزه، مطففین، ماعون، تحریم.

سوره‌هایی که از مسائل مادی و اقتصادی سخن می‌گویند از این قرارند: انفال، توبه، مائده، تکاثر، انعام.

سوره‌هایی که از پرستش و شعائر دینی سخن گفته و نام عبادت دارند: حج، سجده.

سوره‌هایی که از جامعه و طبقات اجتماعی و سیاسی سخن به میان آورده از این قرار است: احزاب، مؤمنان، شوری، نساء، صف، شعراء، فتح، منافقون، روم، ناس.

سوره‌هایی که از جهان بینی بحث می‌کنند: اعراف، قیامت، قارعه، واقعه، الحاقه، نازعات، غاشیة، قدر، حشر، مرسلات، تکویر، انفطار، انشقاق.

سوره‌هایی که در آن از تاریخ یا فلسفه تاریخ بحث شده: آل عمران، انبیاء، یونس، هود، یوسف، ابراهیم، نوح، مریم، سبأ، محمد، لقمان، حجر، بنی اسرائیل، کهف، قصص، احقاف، قریش.

سوره‌هایی که در آن از طبیعت و کائنات و جهان شناسی سخن به میان آمده است از این قرارند: بقره، فیل، نحل، عنکبوت، نور، شمس،



قمر، نجم، دخان، حدید، لیل، رعد، زلزال، انسان، جن، علق، تین، عادیات، دهر و بلد.^۱

فهرست داستان‌هایی که در قرآن هست

- ۱- خلقت آدم (ع) و دو فرزند آدم ...
- ۲- داستان نوح (ع) - طوفان نوح
- ۳- داستان هود (ع)
- ۴- داستان صالح (ع)
- ۵- داستان ابراهیم (ع) - ابراهیم و چهار پرنده، ابراهیم و آذر، ابراهیم و نمرود و آتش و ...
- ۶- داستان اسماعیل (ع) و اینکه دو نفر فقط ایمان آورده اند...
- ۷- داستان یعقوب (ع) و یوسف (ع) و زلیخا در زندان
- ۹- داستان شعیب (ع)
- ۱۰- داستان موسی (ع) و ولادتش در مصر - هجرت به مدین، وصلت با دختر شعیب، معجزات و حذف ساحران، گوساله سامری، کوه طور، موسی (ع) و خضر (ع) و ...
- ۱۱- تاریخ بنی اسرائیل
- ۱۲- داستان داود (ع)
- ۱۳- داستان سلیمان (ع)، بلقیس، تخت بلقیس و مورچه در رهگذر
- ۱۴- داستان عزیز پیامبر (ع)

۱- دانشتنی‌های قرآن.

- ۱۵- داستان خرابی بیت المقدس
 ۱۶- داستان ایوب (علیه السلام)
 ۱۷- داستان یونس (علیه السلام) و شکم ماهی
 ۱۸- داستان زکریا (علیه السلام) و یحیی (علیه السلام)
 ۱۹- داستان مریم و عیسی (علیه السلام)، نزول مائده آسمانی، سرانجام کار مسیح، اختلاف در قتل
 ۲۰- داستان لقمان حکیم
 ۲۱- جریان ذوالقرنین
 ۲۲- داستان اصحاب کهف و غار اصحاب کهف
 ۲۳- داستان اصحاب اخدود
 ۲۴- داستان سیل ارم و خرابی سد مارب
 ۲۵- داستان فیل و اصحاب فیل و تصمیم خرابی کعبه و ابابیل و ...

دوران ظهور اسلام

- ۲۶- آغاز وحی و بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
 ۲۷- داستان بلال و امیه بن خلف و ...
 ۲۸- داستان معراج و مسجد الاقصی و ...
 ۲۹- هجرت مسلمانان به حبشه و ...
 ۳۰- هجرت به شعب ابوطالب و ...
 ۳۱- رفتن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به طائف و ...
 ۳۲- بیعت انصار با حضرت و ...
 ۳۳- هجرت به مدینه



۳۴- غزوه بدر، بنی قینقاع و ...

۳۵- جنگ احد

۳۶- داستان افک

۳۷- جنگ های احزاب، خندق و ...

۳۸- بیعت رضوان، جنگ خیبر، فتح مکه، غزوه حنین و تبوک و ...

۳۹- مسجد ضرار و ...

۴۰- قصه مباحله و ...

۴۱- حجه الوداع و ...

فصل دوم

چهل حدیث قرآنی
قرآن و ارزش حاملان آن
قرآن و فرازی جاوید
قرآن و تکلم به آن
قرآن شفیع است و ...



چهل حدیث قرآنی

۱- قرآن و ارزش حاملان آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَكْرَمُ حَامِلَةَ الْقُرْآنِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَنِي»^۱

حاملان قرآن را گرامی بدارید، هر کس آنان را گرامی بدارد مرا گرامی داشته است.

۲- قرآن و فرازی جاوید

عَنِ الصَّادِقِ (ع) «وَقَعَ مُصْحَفٌ فِي الْبَحْرِ فَوَجَدُوهُ وَقَدْ ذَهَبَ مَا فِيهِ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ» «إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»^۲

امام صادق (ع) فرمود: قرآنی به دریا افتاد، دیدند که همه آیات آن محو شده است به جز این آیه «آگاه باشید که کارها با خداست».

۳- قرآن و تکلم به آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»^۱

۱- کنز العمال، ج ۱.

۲- کافی، ج ۲، ص: ۶۲۷.



کسی که قرآن کلامش و مسجد خانه‌اش باشد خدا خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد.

۴- قرآن شفیع است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَا مِنْ شَفِيعٍ أَفْضَلَ مِنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲

روز قیامت در پیش‌گاه خداوند، هیچ شفاعت‌کننده‌ای از قرآن از نظر منزلت برتر نیست.

۵- قرآن ثروت است

عَنِ الصَّادِقِ (ع) «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ وَلَا يَفْقَرُ بَعْدَهُ»^۳
هر کس که قرآن را بخواند، غنی و بی‌نیاز است و بعد از قرائت فقری بر او نباشد.

۶- قرآن برتر است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «فَضَّلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضَّلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^۱

۱- بحار الانوار، ج ۸۰، ص: ۳۸۰.

۲- عوالی اللئالی، ج ۴، ص: ۵۹.

۳- کافی، ج ۴، ص: ۶۱۰.

برتری قرآن بر سخنان دیگر همانند برتری خدا بر خلق است.

۷- اهل قرآن

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «أَهْلُ الْقُرْآنِ أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ»^۲

اهل قرآن؛ اهل خدا و خاص و ویژه اویند.

۸- قرآن و باور آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «مَا آمَنَ بِالْقُرْآنِ مِنْ اسْتَحَلَّ حَرَامَهُ»^۳

کسی که حرام‌های قرآن را حلال بشمرد به قرآن ایمان ندارد.

۹- قرآن و ولایت ائمه

عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرًا مِنَ الْقُرْآنِ، لَمْ يَتَنَكَّبِ

الْفِتْنِ»^۴

هر که امر ولایت ما را از قرآن نداند و نفهمد، نمی‌تواند فتنه‌ها را زیر پا بگذارد و از آنها دور شود.

۱- بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۱۹.

۲- غرر الحکم، ص: ۷۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۱۸۵.

۴- تفسیر برهان، ج ۱، ص: ۵۱.

۱۰- قرآن غریب است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْغُرَبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةٌ:

قُرْآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ، وَمَسْجِدٌ فِي نَادِيٍّ قَوْمٌ لَا يَصِلُ فِيهِ،

وَمُصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يُقْرَأُ فِيهِ، وَرَجُلٌ صَالِحٌ مَعَ قَوْمٍ سُوءٍ»^۱

چهار چیز غریبند: قرآن کریم که درون ظالم باشد، مسجد در محلی که مردم در آن نماز نخوانند، قرآنی که در خانه‌ای باشد و خوانده نشود و مرد شایسته‌ای در میان مردم بد.

۱۱- قرآن دل را زنده می کند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «يَأْتِيَنَّ لَاتَعْفَلَنَّ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ

يُحْيِي الْقَلْبَ وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: ای پسر عزیزم از قرائت قرآن کریم غفلت مکن که قرآن دل را زنده کند و از کارهای فحشاء و نادرست و ستم باز می‌دارد.

۱۲- قرآن و دل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنِ»^۱

۱- نهج الفصاحه، ص: ۵۸۶.

۲- کنز العمال، ج ۲.

خدا قلبی را که ظرف حفظ قرآن باشد، عذاب نفرماید.

۱۳- قرآن امر است و نهی

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَأَمْرٌ، يَأْمُرُ بِالْجَنَّةِ،

وَيَنْهَى عَنِ النَّارِ»^۲

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: این قرآن امر و نهی می‌کند امر به بهشت و نهی از آتش می‌نماید.

۱۴- قرآن ملاک حق است

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۳

هر حدیثی که موافق قرآن نباشد بیهوده است.

۱۵- قرآن بهترین دارو است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «خَيْرُ الدَّوَاءِ الْقُرْآنُ»^۴

بهترین دارو قرآن است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۱۶۷.

۲- کافی، ج ۲، ص: ۶۰۱.

۳- کافی، ج ۱، ص: ۶۹.

۴- سخن ابن ماجه، ج ۲.

۱۶- قرآن معرف فضیلت عجم است

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَوْ نُزِّلَ الْقُرْآنُ عَلَى الْعَجَمِ مَا آمَنَتْ بِهِ

الْعَرَبُ وَقَدْ نُزِّلَ عَلَى الْعَرَبِ فَأَمَنَتْ بِهِ الْعَجَمُ فَهَذِهِ فَضِيلَةُ الْعَجَمِ»^۱

اگر قرآن بر مردم غیر عرب نازل می‌گشت، عرب به آن ایمان نمی‌آورد، ولی بر عرب نازل شد و غیر عرب به آن ایمان آوردند و این خود فضیلتی از برای غیر عرب است.

۱۷- قرآن عهد نامه خدا با خلق است

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ

الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَحْسِنًا آيَةً»^۲

قرآن عهد و پیمان با خلق است و سزاوار است که مسلمان به عهدنامه خدا بنگردد و هر روز پنجاه آیه از آن قرائت کند.

۱۸- قرآن نصیحت کننده بی غرض است

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشَى وَ

الْهَادِي الَّذِي لَا يَضِلُّ»^۳

۱ - بحار الأنوار، ج ۹، ص: ۲۲۸.

۲ - تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص: ۱۴.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

و بدانید که این قرآن خیر خواهی است که فریب ندهد، و راهنمایی است که گمراه نکند.

۱۹- قرآن و احترام اهل آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ مِنَ الْأَدْمِيَّةِ مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فَلَا تَسْتَضِعُوا أَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عَزِيزِ الْجَبَّارِ لَمَكَانًا عَلِيًّا»^۱

اهل قرآن در برترین درجات آدمی زادگان هستند جز درجات انبیاء و مرسلین پس شما حقوق آنان را ضعیف و ناچیز مشمارید که آنان در پیشگاه خداوند عزیز جبار، مکان و مقام بلندی دارند.

۲۰- قرآن و تکلم با خدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ»^۲

هنگامی که کسی از شما دوست دارد که با خدا سخن گوید، قرآن قرائت کند.

۱- کافی، ج ۲، ص: ۶۰۳.

۲- کنز العمال، ج ۱.

۲۱- قرآن و تعلیم آن به دیگران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ عَلَّمَ جَلًّا الْقُرْآنَ فَهُوَ مَوْلَاهُ لَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَسْتَأْذِرُ عَلَيْهِ»^۱

هر که به مردی قرآن بیاموزد مولای اوست و نباید خوارش نماید و خود را بر او ترجیح دهد.

۲۲- قرآن و عمل به آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْأَمَنَ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ فَأَنَالَه سَائِقٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَدَلِيلٌ إِلَى الْجَنَّةِ»^۲

هان، هر کس قرآن را فرا گیرد و تعلیمش دهد و عمل به دستور آن نماید، من او را به بهشت راهنمایی می‌کنم.

۲۳- قرآن و قرائت افتخاری

قَالَ عَلِيُّ ﷺ «مَنْ أَخَذَ عَلَى تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ أَجْرًا كَانَ حِظَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»
کسی که بر تعلیم قرآن مزد بگیرد همان مزد بهره و نصیب او در روز قیامت خواهد بود.

۱- کنز العمال، ج ۱.

۲- کنز العمال، ج ۱.

۲۴- قرآن مهمان سراست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَا دُبُّهُ اللَّهُ فَتَعَالَمُوا مِنْ مَا دُبَّتِهِ
مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱

قرآن مهمان سرای خداست، هر چقدر می‌توانید از این مهمان سرا فرا
گیرید.

۲۵- قرآن و هدیه به والدین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ
فَقَرَأَ عِنْدَهُمَا يَسِّ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ بِعَدِّ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا»^۲

هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از آنان را در هر جمعه‌ای زیارت
کند و در کنار ایشان سوره مبارکه یس قرائت نماید خدا به عدد هر
حرفی از آن سوره او را مورد آمرزش قرار دهد.

۲۶- قرآن و سوره رحمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لِكُلِّ شَيْءٍ عَرُوسٌ وَعَرُوسُ الْقُرْآنِ سُورَةُ
الرَّحْمَنِ جَلَّ ذِكْرُهُ»^۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۱۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص: ۲۹۳.

۳- مجمع البیان، ج ۹، ص: ۲۹۶.

هر چیزی را عروسی است و عروس قرآن سوره مبارکه الرحمن است.

۲۷- قرآن و قلب آن

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَإِنَّ قَلْبَ الْقُرْآنِ يَسُ»^۱

همانا هر چیزی را قلب است و قلب قرآن سوره شریفه یاسین است.

۲۸- قرآن و تلاوت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) «أَعْبَدُ النَّاسِ أَكْثَرُهُمْ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ»^۲

عابدترین مردم کسی است که بیشتر تلاوت قرآن کرده باشد.

۲۹- قرآن و تلاوتش در کودکی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ فَقَدْ أُوتِيَ

الْحُكْمَ صَبِيًّا»^۳

هر کس پیش از رسیدن به حد بلوغ قرائت قرآن کریم کند در حال کودکی به او حکمت داده شود.

۱- تفسیر صافی، ج ۴، ص: ۲۶۳.

۲- کنز العمال، ج ۱.

۳- کنز العمال، ج ۱.

۳۰- قرآن و دفع بلا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «يُدْفَعُ عَنْ تَالِيِ الْقُرْآنِ بَلْوَى الْأَخِرَةِ»^۱
 بلای آخرت از تلاوت کننده قرآن کریم دفع می‌شود.

۳۱- قرآن و صوت محزون

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِحُزْنٍ، فَإِذَا قَرَأْتُمُوهُ فَتَحَازِنُوا»^۲
 همانا قرآن به حزن نازل شده، پس هنگام قرائت آن تظاهر به حزن
 کنید.

۳۲- قرآن و سوره مبارکه حمد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ قَرَأَ الْفَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ التَّوْرَاتِ
 وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ»^۳

هر که سوره مبارکه حمد را بخواند، چنان است که تورات و انجیل و
 زبور و فرقان را خوانده باشد.

۱- بحار الانوار، ج ۸۹، ص: ۱۹.

۲- شرح سبزواری، ص: ۶.

۳ - میزان الحکمه ج ۹ ص ۳۷۴



۳۳- قرآن و حفظ آن

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ وَالْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ
الْبَهْرَةِ»^۱

آن کس که حافظ قرآن و عامل به احکام آن باشد همراه سفیران
بزرگوار نیکوکار است.

۳۴- قرآن و ارزش حاملان آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) «حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۲
حاملان قرآن کریم عارفان اهل بهشتند.

۳۵- قرآن و صدای خوش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) «لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ
الْحَسَنُ»^۳

برای هر چیزی زیور است و زیور قرآن آوای خوش آن می باشد.

۱- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص: ۱۰۱.

۲- کافی، ج ۲، ص: ۶۰۶.

۳- کافی، ج ۲، ص: ۶۱۵.

۳۶- قرآن و بیان همه چیز

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «إِنَّ الْقُرْآنَ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ

اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ الْعِبَادُ إِلَيْهِ إِلَّا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ»^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا خدا در قرآن شریف روشنگری و بیان هر چیزی را نازل فرموده است به خدا قسم حتی یک چیزی را که بندگان خدا بدان نیازمند باشند و انهداده و ترک نکرده جز آنکه برای مردم بیان نموده است.

۳۷- قرآن میراث رسول خداست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَهُوَ حَبْلُ

اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَهُ كَانَ عَلَى الْهُدَى وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ عَلَى ضَلَالَةٍ»^۲

همانا من در میان شما دو چیز مهم و گرانقدر می گذارم کتاب خدا را در میان شما می گذارم و آن ریسمان محکم خداوند است هر که از آن پیروی کرد هدایت یافت و هر که ترکش کرد گمراه شد.

۳۸- قرآن و لزوم تدبیر و عبرت

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ»^۱

۱- کافی، ج ۱، ص: ۵۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۳، ص: ۱۱۶.

در آیات قرآن شریف تدبیر کنید و از آن عبرت بگیرید که آن بلیغ‌ترین و رساترین عبرت‌ها است.

۳۹- قرآن حاوی اخبار قبل، بعد و حال است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «وَفِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَوَحْيٌ مِمَّا بَيْنَكُمْ»^۲

در قرآن کریم خبر گذشتگان و آیندگان است و حکم آنچه در میان شماست می‌باشد.

۴۰- قرآن و حافظان آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «عَدَدُ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَدَدُ آيِ الْقُرْآنِ»^۳

تعداد درجات بهشت به تعداد آیه‌های قرآن است. هنگامی که اهل قرآن وارد بهشت شود به او گفته می‌شود: قرآن بخوان و بالا برو، بنابراین بالاترین درجه از آن حافظان قرآن است.

۱- غرر الحکم، ص ۳۱۸.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۲۲.

فصل سوم

معرفی قرآن صامت از زبان قرآن ناطق
قرآن از زبان دانشمندان روز
نظر قرآن شناسان شیعه و سنی
تفسیر چیست؟ تاویل کدام است؟
محکم و متشابه کدامند؟



معرفی قرآن صامت از زبان قرآن ناطق

کلام الهی در قرآن تجلی می‌کند و لکن با خواندن بی‌تدبیر بر انسان روشن نمی‌شود و لذا گفته‌اند تفسیر واقعی کلام حق را از راسخون در علم یعنی امامان معصوم (علیهم‌السلام) بپرسید و روایات صحیحه همان تفسیر واقعی قول خدا در قرآن است.

در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که خدای عزوجلّ توضیح و بیان هر چیز را در قرآن آورده و هیچ نیازی از آنچه را که بشر دارد وانگذاشته است و حتی به خدا قسم، بنده‌ای نمی‌تواند بگوید اگر در قرآن این مورد هم می‌بود! یعنی هر آنچه را هم که احتمال نیاز آن در آینده است، در کتاب الهی خویش آورده است، البته از هر موضوعی ریشه و اصل آن.^۱

۱- قرآن چارچوبی دارد

حدّ و مرز تفسیر و توضیح در لسان روایات از امامان معصوم (علیهم‌السلام) آمده و مشخص گردیده است و اینکه هرکسی با سلیقه و برداشت خویش بخواهد آیات الهی را تفسیر کند مطابق حق نخواهد بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) «إِنَّ لِلْقُرْآنِ حُدُودًا كَحُدُودِ الدَّارِ»^۲

۱- محاسن برقی، ص: ۲۶۷.

۲- بحار الانوار، ج ۸۹، ص: ۱۶.

همانا قرآن شریف همانند حدود خانه است و حدّ و مرز دارد.

۲- چشم‌دانشت مادی، توهین به قرآن است

چیزی را از قرآن ارزشمندتر دانستن اهانت به قرآن است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنْ رَجُلًا أُعْطِيَ

أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَرَ عَظِيمًا وَعَظَّمَ صَغِيرًا»^۱

رسول اکرم اسلام ﷺ فرمودند: به هرکس که خدا قرآن مجید را

بخشد و او تصور کند که به کسی چیزی برتر از قرآن داده شده، محققاً

بزرگی را کوچک، و کوچکی را بزرگ شمرده است.

۳- سزای استهزاء قرآن

احکام فقه اسلام در مورد کسانی که توهین به قرآن می‌کنند

مشخص است. همچنانکه در فتوای شجاعانه امام خمینی ره در

خصوص حکم قتل سلمان رشدی مرتد آمده بود و در روایت اهل

بیت علیهم‌السلام دین نیز بیان شده است.

قَالَ عَلِيُّ رضی الله عنه «وَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ

يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا»^۲

۱- بحار الانوار، ج ۸۹، ص: ۱۳.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴.

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند: هر که قرآن قرائت کند و وارد آتش شود او از کسانی است که آیات خدا را به ریشخند گرفته است.

۴- پاداش قرائت با ترتیل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَأَرْقُ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرْتِلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنَزِلَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرُؤُهَا»^۱

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمود: به همراه (قاری و خواننده) قرآن گویند: بخوان و بالا رو بدان گونه که در دنیا قرآن ترتیل می کردی زیرا منزلت و جایگاه تو در کنار آخرین آیه ای است که قرائت می کردی.

۵- با نیت صحیح اگر چه قرائت غلط

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «إِذَا قَرَأَ الْقَارِئُ فَأَخْطَأَ وَحَنَ أَوْ كَانَ أَعْجِمِيًّا كَتَبَهُ الْمَلَكُ كَمَا أَنْزَلَ»^۲

برخی با خود می گویند که شاید آداب قرائت را درست ندانیم و یا چون زبان مان عربی نیست صحیح تلفظ نکنیم و به این بهانه کمتر با قرآن محشور و مأنوس باشند در این خصوص ترجمه حدیث فوق را بد نیست بشنویم:

۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۵۷.

۲- کنز العمال، ص: ۵۷۰.

رسول خدا (ﷺ) فرمود: چون قاری، قرآن را غلط قرائت کند یا قاری آشنای به عربی نباشد فرشته الهی آن را آنچنان که نازل شده می نویسد.

۶- اثر عمیق قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) «إِنِّي لَأَعْجَبُ كَيْفَ لَا أَشَيْبُ إِذَا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ؟!»

من تعجب دارم که چون قرآن قرائت می کنم چرا پیر نمی شوم.^۱
سیره بزرگان دین و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) این بوده است که به هر آیه‌ای می رسیدند، آثاری در چهره آنان ظاهر می شد در احوالات امام هشتم (علیه السلام) آمده است که در حین سفر به خراسان در بسترش قرآن می خواند و چون به آیه‌ای که یادی از بهشت و دوزخ شده بود می رسید، می گریست و از خدا بهشت می خواست و از آتش به خدا پناه می برد.

۷- هر سخنی را با قرآن بسنجید

قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر سخنی که موافق قرآن نباشد بیهوده است.

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص: ۲۷۸.

۲- کافی، ج ۱، ص: ۶۹.

۸- تفاوت فرقان با قرآن

در کتاب شریف کافی آمده است که شخصی از امام صادق (ع) پرسید که فرقان و قرآن دو چیزند یا یک چیز؟ حضرت فرمود:

«الْقُرْآنُ جُمْلَةُ الْكِتَابِ وَالْفُرْقَانُ الْمُحْكِمُ الْوَاجِبُ الْعَمَلِ بِهِ»^۱

تمام کتاب، قرآن است و حکمی که عمل کردن به آن واجب می‌باشد (آیات محکمت) را فرقان می‌نامند.

۹- بزرگ‌ترین، ترسناک‌ترین، امیدوار کننده‌ترین آیه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

۱- «أَعْظَمُ آيَةٍ آيَةُ الْكُرْسِيِّ»^۲

۲- «وَأَخْوَفُ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ»: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا

يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۴

۱- کافی، ج ۲، ص: ۶۳۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۲۷۲.

۳- کنز العمال، ج ۱، ص: ۵۶۳.

۴- زلزال، آیه: ۸ و ۷.



«وَأَرْجَى آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۲

فَتَرْضَى»^۲

رسول اکرم اسلام (ﷺ) فرمود: بزرگ‌ترین آیه در قرآن؛ آیه‌الکرسی و ترسناک‌ترین آیه در قرآن؛ آیه سوره زلزال است که می‌فرماید: هرکس به وزن مثقال ذره‌ای خوبی کند پاداش می‌بیند و هرکس به همان اندازه بدی کند کیفر می‌بیند) و امیدبخش‌ترین آیه در قرآن؛ آیه پنجم سوره ضحی است که می‌فرماید: ای رسول خدا، (و بزودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی).

۱۰- اشاره‌های قرآن

نظر به اینکه قرآن با همه افکار گوناگون سخن می‌گوید مطالب علمی و غیر آن را باید داشته باشد.

قَالَ الْحَسِينُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ»^۳

۱ - شواهد التنزيل، ج ۲، ص: ۴۴۷.

۲ - ضحی، آیه: ۵.

۳ - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص: ۲۷۸.

حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمود: کتاب خدای بزرگ بر چهار چیز استوار است: بر عبارت و اشارت و لطائف و حقایق. عبارت برای عوام و اشاره برای خواص و لطیفه‌ها برای اولیاء و حقایق برای پیغمبران است.

۱۱- چهار بخش قرآن

قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ أَرْبَعَةَ أَرْبَاعٍ رُبُعٌ حَلَالٌ وَرُبُعٌ حَرَامٌ وَرُبُعٌ سُنَنٌ وَأَحْكَامٌ وَرُبُعٌ خَبَرٌ مَا كَانَ قَبْلَكُمْ وَمَا يَكُونُ بَعْدَكُمْ وَفَصَلُّ مَا بَيْنَكُمْ»^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا قرآن کریم بر چهاربخش نازل شده است بخشی حلال و بخشی حرام و ربع سوّم؛ سنت‌ها و احکام و در ربع چهارم؛ خبر گذشتگان و آیندگان است.

۱۲- شفا‌ی دل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ «شَكَرْتُ لِرَجُلٍ إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَجَعًا فِي صَدْرِهِ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «اسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ» وَ «وَجَعًا لِمَا فِي الصُّدُورِ»^۲

۱- کافی، ج. ۲، ص: ۶۲۷.

۲- کافی، ج. ۲، ص: ۶۰۰.

امام صادق از پدران بزرگوارش (علیه السلام) نقل می‌کند که مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از درد سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: به قرآن کریم شفاء بجوی زیرا خدای بزرگ می‌فرماید: «و شفاء است برای دردی که در سینه‌هاست».

۱۳- مجموعه علوم دیروز و امروز و فردا

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) «آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ كَمَا فَتَحَتْ خَزَائِنَهُ
يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ فِيهَا»^۱

آیات قرآن کریم گنجینه علم است و در زمان که گنجینه‌ها گشوده شود سزاوار است بنگری که در آن چیست.

و در حدیثی از رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: قرآن ظاهری و باطنی دارد، ظاهرش حکم و دستور، باطنش علم و دانش، ظاهرش نیک و زیبا و باطنش عمیق است. آسمان قرآن، ستارگانی دارد و ستارگانش نیز ستارگانی دارند. شگفتی‌هایش به شماره نیاید. تازه‌هایش کهنه و پوسیده نگردد و در آن چراغ‌های هدایت و فروزانگاه حکمت و فرزانی است.^۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۱۹۸.

۲- کافی، ج ۲، ص: ۵۹۹.

۱۴- دارای محکم و متشابه است

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْقُرْآنِ أَحِلُّوا حِلَّالَهُ وَحَرِّمُوا حَرَامَهُ وَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَرُدُّوا مُتَشَابِهَهُ إِلَى عَالِمِهِ فَإِنَّهُ شَاهِدٌ عَلَيْكُمْ وَأَفْضَلُ مَا يَهْتَدَى بِهِ النَّاسُ»^۱

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: بر شما باد به عمل کردن به دستور قرآن! حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانید و به محکماتش عمل کنید و متشابهش را به آن کسی که عالم به متشابهات باشد، رد کنید که قرآن گواه بر شماست و برترین وسیله توسل است.

۱۵- تفسیر به رأی و سلیقه شخصی ممنوع

در این وادی همگان حق ندارند وارد شوند و سلیقه‌های فردی و قومی و قبیله‌ای نباید در تفسیر آیات کتاب خدا وارد گردند بلکه به گفته رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنچه را که از آن نمی‌دانید به عالمان پس از من رجوع کنید تا آنچه بایسته است را به شما خبر دهند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «مَنْ تَكَلَّمَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَأَصَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ»^۲

۱- غررالحکم، ص: ۴۴۹.

۲- منیه المرید، ص: ۳۶۹.

پیامبر اکرم اسلام (ﷺ) فرمود: هر کس به رأی خود در تفسیر قرآن سخن بگوید و درست هم بگوید، خطا کرده است. گاهی از این کار تعبیر به کفر شده و در سخنی از رسول خدا (ﷺ) است که کسی که سخن مرا به رأی خودش تفسیر کند به من ایمان نیاورده است و در سیره بزرگان از علماء دین نیز می‌بینیم که با احتیاط کامل آیات را تفسیر می‌کنند و در آخر هم علم آن را به خدا واگذار کرده و با تعبیر (وَاللَّهِ الْعَالِمِ) یا (اللَّهُ أَعْلَمُ) از آیه می‌گذرد.

۱۶- سکوت به هنگام قرائت قرآن

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُهُ الْإِنْصَاتُ لَهُ وَالِاسْتِمَاعُ لَهُ قَالَ نَعَمْ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ عِنْدَكَ فَقَدْ وَجِبَ عَلَيْكَ الْإِسْتِمَاعُ وَالِإِنْصَاتُ»^۱

زراره می‌گوید از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که قرآن را قرائت می‌کند، آیا کسی که قرائت او را می‌شنود بر او واجب است که خاموش بماند و گوش فرا دهد؟ فرمود: آری هنگامی که در نزد تو قرآن قرائت شود، واجب است که گوش فراداری و خاموش بمانی.

۱۷- قرآن و فضائل علی (علیه السلام)

عن ابن عباس قال «مَا نَزَلَ فِي أَحَدٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ وَ
 أَخْرَجَ بِنِ عَسَاكِرَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: نَزَلَ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثُ مِائَةِ آيَةٍ»^۱
 ابن عباس مفسر بزرگ معاصر پیامبر و علی (علیه السلام) می گوید: آنچه در
 قرآن کریم درباره علی (علیه السلام) آمده است، در حق کسی نیامده و ابن عساکر
 از ابن عباس روایت کرده که گفت: سیصد آیه قرآنی در حق علی نازل
 شده است.

از آگاهان به قرآن بشنویم

بهترین تعریف قرآن صامت همان است که از زبان قرآن‌های ناطق
 یعنی حضرات معصومین (علیهم السلام) می شنویم:

۱- فضیلت قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ
 اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^۲

برتری قرآن بر سایر کلمات همانند برتری خداست بر خلقش.

۱- فضائل الخمسة، ج ۱۴، ص: ۱۶۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۱۹.

۲- تعلیم قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»^۱

بهترین شما کسانی هستند که قرآن را بیاموزند و به دیگران تعلیم

دهند.

۳- نگاه به قرآن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «النَّظَرُ فِي الْمَصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ عِبَادَةٌ»

نگاه کردن به قرآن بدون قرائت هم عبادت است.

۴- تلاوت در منزل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «تَوَرَّوْا بَيْوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»^۲

خانه‌هایتان را نورانی کنید به تلاوت قرآن.

۵- قرآن و جوان

قَالَ الصَّادِقُ (ع) «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ

الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ»^۳

۱ - أمالی (للطوسی)، ص: ۳۵۷.

۲ - کافی، ج ۲، ص: ۶۱۰.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۱۷۷.

هر کس قرآن بخواند و جوان مؤمنی باشد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می‌شود.

۶- عمل به قرآن

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «مَا آمَنَ بِالْقُرْآنِ مَنِ اسْتَحَلَّ حَرَامَهُ»^۱

ایمان به قرآن نیاورده است کسی که حرام قرآن را حلال شمارد.

۷- قرآن و عترت

قرآن و اهل بیت پیغمبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) از هم جدا نمی‌شوند همچنان‌که در حدیث معروف پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) آمده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي»^۲

من در میان شما دو شیء گرانبها گذاشتم، کتاب خدا و عترتم را.

۸- درک تفسیر

قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «مَنْ فَهِمَ فَسَّرَ جَمَلَ الْعِلْمِ»^۳

کسی که قرآن را بفهمد تمامی علم را تفسیر کرده است.

۱ - عیون الحکم و المواعظ، ص: ۴۸۲.

۲ - کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص: ۶۴۷.

۳ - خصال، ج ۱، ص: ۲۳۱.

قرآن از زبان دانشمندان روز

نولد که از دانشمندان خاورشناس معروف آلمانی است

می‌گوید:

قرآن با منطق علمی و روش اطمینان بخش و قانع کننده‌ای که دارد دل‌های شنوندگان خود را به سوی خویش توجّه داده ... این کتاب توانست از مردمی وحشی و بی‌تربیت، ملّتی متمدّن ایجاد کند که تعلیم و تربیت دنیای خویش را بر عهده گرفتند.

کارلایل دانشمند مشهور و اسکاتلندی می‌گوید:

این نکته واضح است که هر کلام درست و حقیقی در دل‌ها نفوذ بخصوصی دارد و حقّ آن است که تمام کتب اعم از آسمانی و غیر آن در برابر قرآن کوچک و حقیرند.

لئون تولستوی فیلسوف مشهور روسی می‌نویسد:

قرآن مشتمل بر تعلیمات و حقایق روشن و آشکار و سهل است و عموم افراد بشر از هر طبقه می‌توانند از آن بهره گیرند.

توماس کارلایل، فیلسوف و نویسنده انگلیسی می‌گوید:

تنها کتابی که حقایق برجسته و اسرار وجود کائنات بی‌نظیر اخلاقی را در بردارد قرآن است و تمام کتاب‌ها در برابرش ناچیزند. هر



خواننده به اولین چیزی که اعتراف می‌کند، حقیقت قرآن و صحت ادعای حضرت محمد (ﷺ) است.

مردی مادی و منکر دیانت به نام شبلی شمیل نامه‌ای به رشید رضا، مؤلف وحی محمدی (ﷺ) نوشته و در آن می‌گوید:
تو به محمد (ﷺ) به نظر پیغمبری می‌نگری و بزرگش می‌شماری و من او را چون مردی می‌بینم و بزرگترش می‌شمارم.
سپس اشعاری در ستایش پیغمبر و قرآن می‌سراید و از جمله می‌گوید: من هر چند به دین محمد (ﷺ) کافر، آیا می‌توانم نسبت به آیات استوار و پر از حکمت او نیز کافر باشم؟ او با بلاغت قرآن دل‌ها را ربود و با شمشیرش سرها را در برابرش فرود آورد، جمیع نواخ جهان مادون محمدند... بی‌گمان در قرآن، اصولی اجتماعی و عمومی است با خصوصیت و کیفیتی که شایسته هر زمان و مکان حتی در امور مربوط به زن‌ها می‌باشد و به راستی قرآن درهای سعی و عمل در امر دنیا و آخر را به روی بشر گشاده است.^۱

جان دیون پورت

احکام و اوامر قرآن منحصر به وظایف دینی، اخلاقی نیست. گیبون می‌گوید: از اقیانوس اطلس تا کنار رود گنگ قرآن نه فقط قانون فقهی



شناخته شده، بلکه قانون اساسی شامل رویه قضایی و نظامات مدنی و جزایی و حاوی قوانینی است که تمام عملیات و امور مالی بشر را اداره می‌کند و همه این امور که به موجب احکام لایتنجیری انجام می‌شوند ناشی از اراده خداست و قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است...^۱

طه عبدالباقی سرور:

جوامع اروپا سخت متحیر شدند هنگامی که شعبه حقوقی تطبیقی دولتی انجمنی در سال ۱۹۵۱ برای بحث در حقوق اسلامی در دانشکده حقوق دانشگاه پاریس به نام (هفته فقه اسلامی) منعقد ساخته و جمعی از مستشرقین و اساتید حقوق و قانون از دولت‌های اروپایی و اسلامی را دعوت کرد و در پایان هفته، دانشمندان بزرگی مانند رئیس وکلای دادگستری پاریس سخنرانی‌های پر جوش و حرارتی به نفع قوانین اسلامی ایراد و به اجماع قطعنامه‌ای صادر کردند که حقوق و قوانین اسلامی، صالح برای جمیع ازمنه و امکانه بوده، جوابگوی همه حوائج زندگی می‌باشند و اسلام از این جهت بسیار غنی و دارای ثروت هنگفت حقوقی و قانون است.^۲

۱- عذر تقصیر، ص: ۹۸.

۲- مقدمه تفسیر نوین، ص: ۶۸.



اقبال لاهوری

اگرچه اروپا حقی که اسلام بر تمدن جدید دارد را دیر شناخت، ولی بالاخره مجبور شد به آن اعتراف کند، و از شگفتی‌های روزگار اینکه اروپا از اسلام و مسلمین، آزادی و روشنفکری و دانش و هنر آموخت و از کلیسا فشار و تضییع و ستم و آزار و کشتار و زجر و شکنجه دید، ولی در نتیجه با کلیسای معاند و ستمگر همدست و همگام شده، با راهنمایان و معلمان خود به دشمنی برخاست و به نابودیشان همت گماشت.^۱

برنارد شاو، دانشمند شهیر انگلیسی:

به نظر من اگر مردی چون محمد (ﷺ) صاحب اختیار دنیای جدید شود، طوری در حل مسائل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که صلح و سعادت مورد آرزوی بشر تأمین خواهد شد.

و نیز می‌گوید:

اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صبور متغیّر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد.^۲

۱- همان، ص: ۳.

۲- مسلمانان جهانی و اجتماعی، ص: ۴۷.

دانشمند ایتالیایی، استاد دانشگاه این کشور، ناپل واکگیری

می‌گوید:

کتاب آسمانی اسلام نمونه‌ای از اعجاز است... قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد، نمونه سبک و اسلوب قرآن در ادبیات عرب سابقه ندارد، تاثیری که این سبک در روح انسان ایجاد می‌کند ناشی از امتیازات و برتری‌های آن است... چطور ممکن است این کتاب اعجاز آمیز، کار محمد ﷺ باشد در صورتی که او یک نفر عرب درس نخوانده‌ای بود.

ما در این کتاب مخزن‌ها و ذخایری از علوم می‌بینیم که فوق استعداد و ظرفیت با هوش‌ترین اشخاص و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست است، به دلیل تمام این جهات است. که قرآن نمی‌تواند کار یک مرد تحصیل کرده‌ای هم باشد.^۱

دکتر موریس فرانسوی:

محققاً قرآن بهترین و برترین کتابی است که قلم صنع و دست هنر آفرین ازلی برای بشر ساخته است و بدون کوچک‌ترین اغراق و مبالغه یا تعصب باید گفت از همه جهت معجزه است.

۱- پیشرفت سریع اسلام ترجمه سعیدی، ص: ۴۹.

فیلسوف بزرگ، کارلیل:

قرآن صدائیست که از دل هستی و قلب وجود برخاسته است.

دکترماردیس فرانسوی:

... اما سبک قرآن بی گمان سبک کلام خداوند تبارک و تعالی است زیرا این سبک که منطوی کنه وجودی است که از آن صادر شده، محال است که جز سبک و روش خداوند باشد.^۱

نظر قرآن شناسان شیعه و سنی

پس از نقل آیات و برخی روایات مبنی بر این که این قرآن که در میان ماست همان است که بر پیامبر خدا ﷺ نازل شده و مورد دستبرد و تحریف هیچ کس قرار نگرفته. بد نیست پای سخن بزرگان از مراجع و علماء شیعه و سنی بنشینیم تا نظرات آنان را در این موضوع مهم بشنویم گرچه بیان سخنان همه، کار مشکلی است لکن بصورت اشاره به برخی از گفته‌های آنان اشاره می‌کنیم.

غالب قریب به اتفاق علماء شیعه امامیه قائل به عدم تحریف می‌باشند و جمع کثیری از سرشناسان اهل سنت نیز همین عقیده را دارند. علمائی از قبیل شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، و شیخ



طوسی قائل به این مسئله‌اند که قرآن همان است که بر پیامبر اکرم اسلام ﷺ نازل گردیده است.

شیخ صدوق می‌گوید

اعتقاد ما این است قرآنی که خداوند متعالی بر پیامبرش حضرت محمد ﷺ نازل فرمود، همان است که در یک مجلد و در دسترس همه مردم قرار دارد و هرگز بیش از آن نبوده است و طبق مشهور ۱۱۴ سوره دارد و هرکس به ما نسبت دهد که ما می‌گوئیم قرآن بیش از این است، مسلماً دروغگو می‌باشد.^۱

مرحوم طبرسی و علامه حلی و شیخ الفقها کاشف الغطا و علامه فیض کاشانی و بسیاری از علمای شیعه در این خصوص حرف و مبنای مشترک دارند و قائلند که حتی یک آیه و حتی یک (بسمله) بر قرآن افزوده یا از قرآن کم نشده است.

در میان علماء بزرگ اهل سنت نیز اعتقاد بر عدم تحریف است و سرشناسانی همچون ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری رئیس گروه اشاعره قول آن گروه از شیعیان را که به قول او از بزرگان شیعه امامیه و اهل تحقیق و دقت می‌باشند را قبول دارد و آن قول این است که اعتقاد به تحریف را به هر صورتی مردود و منتفی می‌دانند.^۲

۱- مصونیت قرآن از تحریف، ص: ۵۶.

۲- مقالات الاسلامیین در اسلام مبین، ج ۱، ص ۱۱۹.

این قسمتی از سخنان علماء شیعه و سنی در بیان عدم تحریف قرآن بود، اگر چیزی تحت عنوان اجماع یا تواتر حق است که حق است باید اعتراف کرد که در اعتقاد به تحریف نشدن قرآن هر دو دلیل موجود است البته جمعی که خیلی به خود زحمت تحقیق عمیق نداده‌اند با سطحی‌نگری و بعضاً با اغراض حساب شده‌ای، مسئله تحریف که از القائات دشمنان است را با آب و تاب بیان نموده‌اند و به تبع آنان عده‌ای از مستشرقین و بیگانگان نیز که هیچ‌گونه اطلاعی از قرآن و محتوای آن نداشته و توقع هم نیست که داشته باشند به این مسئله فنی و ظریف دامن زده و با آب و تاب مسئله تحریف را مطرح نموده‌اند تا از ارزش قرآن و معجزه بودن آن بکاهند. آری به مصداق این که حرمت امامزاده را باید متولی‌اش نگه دارد اگر ما به یک نظر واحد می‌رسیدیم و یا با تحقیقی بیشتر مسئله را مطرح می‌کردیم بهانه به دست دشمنانی همچون گلد زیهر، مستشرق معروف داده نمی‌شد تا در این مسئله مهم و فنی قلم فرسایی نماید و در عین عدم اطلاع جرأت طرح مسئله را به خود بدهد و یا از روی غرض به مسلمانان و غیر مسلمانان ذهنیتی غلط بدهد! و در باب تحریف قرآن سخن بگوید! آری آبادی بتخانه زویرانی ماست.^۱

تفسیر چیست و تأویل کدام است؟

برای شرح و توضیح قرآن مجید تفاسیر فراوانی از اندیشمندان قرآن شناس به چشم می‌خورند و در کنار لغت تفسیر که به معنی پرده‌برداری و توضیح است، واژه تأویل به گوش می‌رسد که به معنای بازگرداندن آیه به مقصود نهایی آن دست می‌باشد.

اما تفسیر:

در دوران‌های گذشته گرایش به قرآن بیشتر در روخوانی و صحیح خوانی و تجوید آن خلاصه می‌شد و در زمان‌های بعد پس از بیداری ملت شرق، زمینه نشر معارف قرآن و احکام و حقایق آن در جامعه مسلمین رواج پیدا کرد. آن روزها جلسات تفسیری هم اگر بود در حد استفاده عده‌ای از علماء و دانشمندان بود و دیگران بهره لازم از کتاب خدا قرآن را نمی‌بردند، در حالی که خطابات قرآن به تمامی آحاد مردم بوده و هست و در بسیاری از آیاتش با (یا أَيُّهَا النَّاسُ) و (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) با تمامی مردم و همه مؤمنان سخن گفته است.

خود قرآن می‌فرماید:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^۱

ما قرآن را برای پند گیری آسان نمودیم آیا کیست که از آن پند گیرد؟.

در نتیجه کسانی که توده مردم را از درک و فهم قرآن محروم می‌نمایند با صریح گفته قرآن مخالفند.

در جایی دیگر قرآن از کسانی که از تدبّر در معانی قرآن روگردان هستند را با لحنی عجیب توبیخ و سرزنش می‌فرماید:

«فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ

قَسْوَرَةٍ»^۱

چه شده است که آنان از قرآن روی گردانند، گویی دراز گوشان رَم کرده‌ای هستند که از شیر گریخته باشند.

ناگفته نماند که تفسیر قرآن از کارهای تخصصی است که در ابتدا در شأن (راسخون فی العلم) یعنی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) می‌باشد و در مرحله بعد علماء ربّانی و پیروان آگاه و راستین آنان حقّ این کار مهم را دارند.

اگر کسانی که اولاً تعهد ندارند و ثانیاً تخصص لازم را ندارند دست به تفسیر قرآن بزنند به یقین فساد و گمراهی آن از اصلاحش بیشتر خواهد بود و این همان مرز خطرناکی است که با حدیث:



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ قَسَرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلَيْتَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ

النَّارِ»^۱

هر کس قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر کند جایگاهش از آتش خواهد شد.

لذا شرایطی را برای تفسیر قرآن ذکر کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شرایط تفسیر خوب

فهم و تفهیم کلام خدا و علم و تفسیر قرآن مجید شرایطی دارد که به برخی از آن شرایط در اینجا اشاره می‌نماییم:

۱_ دانستن قواعد عربی

بحث ادبیات عرب که در حوزه‌های علمیه از پایه‌های مهم و به قول امروزی‌ها از علوم پایه به شمار می‌آید، یکی از شرایط ترجمه و تفسیر قرآن مجید است. همان‌طوری که یک ضمّه و فتحه و کسره در معنای لفظ تغییر ایجاد می‌کند. عامل این کسره و فتحه و ضمّه را اگر شناسیم به معانی واقعی آیه نخواهیم رسید.

۲- آشنایی با لغات و مفردات قرآن

از آنجا که فهم جمله مستلزم فهم لغت است باید با لغات قرآنی آشنا بود آن هم با ریشه لغات، در نتیجه نمی‌توان با دانستن معنی ظاهری لغاتی که اکنون در ذهن ما و عرف ما رایج است به تفسیر آیه پرداخت زیرا به گفته یکی از مفسرین بزرگوار چه بسا بر اثر مرور زمان در معانی الفاظ دگرگونی پیدا شده و معانی در عصر رسالت به نوعی تغییر کرده است که در همین خصوص یکی از علماء بنام؛ احمد بن فارس بن زکریا کتابی تحت عنوان المقاییس در شش جلد نوشته است که معانی ریشه‌ای لغات را در اختیار خوانندگان گذاشته است.

کتاب دیگری نیز مانند (مفردات راغب) و (النهاییه فی غریب القرآن)، در این باب راه کار واقعی مهم لغات را نشان داده‌اند.

گاهی مشاهده می‌شود برای یک لفظ چندین معنی آمده است و انسان خیال می‌کند که این لغت به ده معنی آمده است در صورتی که با دقت نظر انسان متوجه می‌شود که این لفظ یک معنا بیشتر ندارد و معنای دیگر صورت‌های مختلف همان معنای اول است که با مرور زمان رنگ تعدد و معنای مستقل گرفته‌اند.

۳- آگاهی از تفسیر قرآن به قرآن

قرآن کتابی است که بیان کننده همه چیز است. یکی از آن همه بیان حقایق خودش می‌باشد. در برخی از آیات شاید ابهامی باشد، لکن همان را با آیه‌ای دیگر، در جایی دیگر می‌توان به روشنی فهمید طبق



اصل مسلمی که در تفسیر آیات داریم آمده است که: (الْقُرْآنُ يُفَسَّرُ بِعَعْضِهِ بَعْضًا) قرآن قسمتی از آن قسمت دیگری را تفسیر و تبیین می‌کند، همانطور که قرآن بیانگر همه چیز است به یقین بیانگر خودش نیز خواهد بود

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^۱

قرآن را که بیانگر همه چیز است برای تو فرستادیم. توضیح بیشتر این قسمت از بحث نیاز به مراجعه به کتب تفسیری دارد.

۴_ تفسیر شأن نزولها

می‌دانیم که قرآن در طول بیست و سه سال بر پیامبر اکرم (ﷺ) نازل گردید و این نزول که نزول تدریجی نام دارد در مناسبت‌ها، رویدادها و به دنبال سؤال و پرسش‌ها رخ داده است، لذا شناخت آن مناسبت‌ها و رویدادها در فهم و تفسیر آن دخالت حتمی دارند. البته از این نکته نباید غافل شد که تمامی شأن نزول‌های نقل شده صحیح و مورد قبول نیست شأن نزول‌های منقول از علماء مسیحیت به یقین مشکوک و بعضاً مغرضانه می‌باشند.

۵- آشنایی با تاریخ صدر اسلام

استفاده از نوشته نویسندگان بی‌غرض و آگاه صدر اسلام در خصوص مسائل بعد از بعثت پیامبر و غزوات پیامبر و جنگ‌های آن حضرت که بسیاری از آیات قرآن درباره آن‌ها می‌باشد، کمک بزرگی به تفسیر آیات قرآنی می‌نماید، البته در این باب نیز همه تواریخ مورد اعتماد نیستند بلکه باید سره را از ناسره شناخت و تاریخ حق را پذیرفت و برای تفسیر آیات از آنها استفاده کرد و نیز شناخت محیط نزول قرآن و رسوم مردم آن سامان در تفسیر آیات نقش به‌سزایی دارد.

۶- اطلاع از تاریخ پیامبران

آیات فراوانی درباره قصه انبیاء پیشین مانند حضرت موسی، ابراهیم، هود، صالح، آیات دیگری درباره اقوام و سلاطین ستم پیشه‌ای که معاصر انبیاء بوده‌اند، می‌باشد که اطلاع از تاریخ صحیح این قصه‌ها نیز در تفسیر آیات بسیار مؤثرند.

۷- علم به آیات مکی و مدنی

می‌دانیم که آیات قرآن از نظر نزول به دو گونه بوده است، بخشی از آیات قبل از هجرت و بخشی پس از هجرت که قسمت اول را مکی و قسمت دوم را آیات مدنی می‌نامند و لحن این دو بخش از آیات با هم فرق دارند.

۸- آگاهی از علوم زمان و بینش های فلسفی

از باب این که فرموده‌اند: (القرآن یفسره الزمان) قرآن را زمان تفسیر می‌کند. آگاهی از علوم رایج زمان و نیز مسائل کیهانی و روانی و امثال این‌ها در فهم و درک آیات مؤثر است.

اطلاعات فلسفی و علمی، ذهن و ضمیر انسان را به فهم کلام خدا نزدیک می‌نماید آیاتی همانند آیات سه و چهار سوره مبارکه حدید که خدا را اول، آخر، ظاهر، باطن می‌داند و یا خلقت عالم در شش روز را بیان می‌فرماید علوم روزند و برای تبیین و تفسیر کمک شایان توجهی است در تفسیر بعضی از آیات از قبیل آیات فوق از امام سجاد (علیه السلام) منقول است که فرمود: **نزلت للمتعمقین فیء آخر الزمان**: این آیات برای افراد متفکر و عمیق، در آخر الزمان نازل شده است البته اجتناب از پیش داوری و موضع گیری در تفسیر قرآن ضرورت دارد که به فرموده رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) هر کس قرآن را به رأی و سلیقه خود (با پیشداوری) تفسیر کند جایگاهش (در قیامت) از آتش پر می‌شود.

۹- آشنا با لحن حدیث

آنچه مسلم است بهترین آشنایان به تفسیر آیات قرآن همانا امامان معصوم (علیهم السلام) بعد از پیامبرند. آنان که قرآن با جمله (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) از آنها یاد کرده است و لذا تفسیر قرآن به روایات صحیحه از

مطمئن‌ترین نوع تفاسیر به حساب می‌آید. البته در این راه باید با حدیث و لحن سخن معصومان (علیهم‌السلام) نیز آشنا بود زیرا در قرآن مجید آیاتی است که هیچ توضیحی جز در کلام معصوم برای آن یافت نمی‌شود مانند آیاتی که نماز و روزه و خمس و زکات و حج را واجب فرموده و به صورت عموماً برای ما بیان شده است و ما مقیدات و نوع و کیفیت آنها را از احادیث معصومین (علیهم‌السلام) استفاده می‌کنیم و لذا در آیه هفتم سوره مبارکه حشر قاعده کلی را به دست ما داده است آنجا که می‌فرماید:

«مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»

آنچه را برای شما رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آورد بگیرید و آنچه را که از آن نهی کرد، ترک نمایید.

تحریم معاملات باطل و حرمت ربا در کتاب خدا آمده است ولی چگونگی معامله حرام و استثنائات ربا، در حدیث بیان گردیده است.

۱۰- شناخت هماهنگی و توجه به سیاق آیات

مفسر قرآن باید آیات را از آیات مشابه جدا نداند چه این آیه در همان سوره یا در جای دیگر قرآن باشد. باید آنها را بشناسد متأسفانه بسیاری از افراد ناآگاه که قطب و محور یک فکر غلط شده‌اند و مذاهب مختلفی را رواج داده‌اند و همه آنها به سوی باطل سوق دادند ظاهر آیه‌ای را گرفته‌اند و با بی‌توجهی به آیات دیگر آن را به سلیقه شخصی خود اضافه کرده و در نتیجه به این انحراف دامن زده‌اند و مردمی را تا

پایان عمر به باطل کشیده‌اند در عین حالی که اسم قرآن و آیه را هم
یدک می‌کشند!

شناخت سیاق آیات و آگاهی از قبل و بعد آیه مورد نظر کمک
مهمی به صحت تفسیر می‌کند البته این مهم فقط مربوط به قرآن نیست
بلکه در برداشت از سخن هر صاحب سخنی قضیه همین است اگر اصل
موضوع و سخنان قبل و بعد صاحب سخن را انسان در نظر نگیرد به
اصل محتوا و مقصود گوینده پی‌نخواهد برد در این رابطه مثال‌های
فراوانی در آیات قرآن هست که باید به تفاسیر معتبر مراجعه نمود.

آنچه ذکر شد و بسیاری از ظرائف دیگر در فهم و تفسیر قرآن نقش
بسزایی دارند که هر کس بخواهد وارد این کار عظیم یعنی تفسیر کتاب
و کلام خدا بشود باید به این نکات واقف باشد وگرنه جامعه به همان
بلایی مبتلا خواهد شد که برخی از بی‌خبران با اسم قرآن اقوامی را مبتلا
کرده‌اند!

و اما تأویل

توضیح آیه از نظر مفردات و هیئت ترکیبی و دیگر خصوصیات
مربوطه به ظاهر آن تفسیر آیه است، در حالی که باز گردانیدن آیه به
مقصود نهایی به کمک آیات و احادیث اسلامی و یا سایر دلایل عقلی
نقلی تأویل می‌باشد.

البته در برخی از زمان‌ها تفسیر و تأویل به یک معنی به کار
می‌رفته است مانند دوران جریر طبری صاحب تفسیر طبری نویسنده

کتاب مفید مفردات راغب می‌گوید: لفظ تفسیر در الفاظ و مفردات به کار می‌رود در حالی که لفظ تأویل بیشتر در معانی و جمله‌ها استعمال می‌شود لفظ تأویل مجموعاً هفده بار در سوره‌های آل عمران، نساء، اعراف، یونس، یوسف، اسراء و کهف آمده است در قرآن مجید لغت تأویل در موارد خاصی به کار رفته است از جمله واقعیت خواب‌هایی است که خود یوسف برای خودش دید و نیز خواب دو نفر هم زندانی یوسف و خواب ملک مصر که در مورد خواب خود حضرت یوسف خداوند می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رُبُّكَ وَبِعَلَمِكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ»^۱

این چنین خدایت تو را برگزید و تو را از سرانجام و عاقبت یک رشته خواب‌ها آگاه می‌سازد.

و نیز لغت تأویل در مورد انگیزه و اسرار کارهای مرموز و غیر واضح مانند فلسفه کارهای هم سفر موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) یعنی خضر (عَلَيْهِ السَّلَام) که ظاهر کارش به دفعات مورد سؤال و توبیخ حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَام) بود چرا که از عاقبت و تأویل آن بی‌اطلاع بود به کار می‌رود که نهایتاً فرمود:

«ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا»^۲

اینها اسرار و نتایج کارهایی بود که بر سر آنها طاقت نیاوردی.

۱- یوسف، آیه: ۶

۲- کهف، آیه: ۸۲

یکی از موارد تأویل آیات قرآن مسئله تجسّم واقعیت‌های عینی وعده‌های قرآنی است به عنوان مثال در آیاتی که خداوند وعده مواخذه گناه داده است و فرموده که ما کتاب و آیات را برای هدایت فرستادیم یک عده‌ای در همین دنیا منتظر عقوبت کارهایشان می‌باشند و نمی‌دانند که کیفر واقعی در روز قیامت است و روزی که نتیجه کردارشان را مشاهده می‌کنند در پیش است این موضوع یعنی تحقق پیدا کردن وعده خدا در قیامت را تأویل قول خدا می‌دانند:

«يَوْمَآتِي تَأْوِيلُهُ»^۱

روزی که زمان تأویل آن برسد.
این آیه و دیگر آیاتی که حقایق غیبی از آنها خبر می‌دهند مصداق همان تأویل قول خداوند می‌باشند.

چند نکته مختصر پیرامون تأویل

۱- در مورد این که آیا تفسیر و تأویل یکی هستند یا فرق دارند قبلاً به طور اجمال اشاره‌ای شد و گفتیم در یک عصری که عصر جمعی از علماء بزرگ شیعه بود مسأله بدین صورت مطرح بود که تفسیر و تأویل یکی است و لذا تفسیر در جای تأویل و تأویل به جای لغت تفسیر به کار برده می‌شد و به

دلیل این که این دو واژه هر دو برای رفع ابهام از آیه به کار می‌رفتند، لذا در این دوره که قرن سوم و چهارم بود این دو لغت به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شدند.

۲- در تفسیر هیأت ظاهری و لغوی لفظ معنی می‌شود و همانند ترجمه کتب دیگر و یا اشعار عرب که تفسیر می‌شود با لغات آن و نوع تلفظش سر و کار داریم ولی در تأویل، ظاهر جمله چیزی و مفهوم و معنایش چیز دیگری است که در قرآن توضیح این کار جز از ناحیه ائمه دین مقدور نمی‌باشد. به عنوان مثال در قرآن آیات محکمت و آیات متشابهات است و تأویل متشابهات هم با بیان پیشوایان معصوم (علیهم السلام) ما می‌باشد.

۳- تأویل ممنوع نیز داریم و آن اینکه آیه به کمک آیه و متشابه به کمک محکم تأویل نشود، بلکه با سلیقه شخصی و فردی آیه‌ای را به مفهوم از پیش تعیین شده خود نزدیک نماید که این همانگونه که در بحث تفسیر نیز گذشت آفات فراوانی را در بردارد و لذا از این نوع تأویل همانند تفسیر به رأی منع گردیده است زیرا این موجب ایجاد مذاهب باطل و دیدگاه‌های انحرافی گردیده است چرا که هر بی‌خبری از تأویل واقعی قرآن آیه‌ای را با فکر خودش همراه کرده و به جای اینکه فکر خویش را بر قرآن عرضه کند و اگر منطبق

نبود رها کند به عکس، قرآن را بر فکر خویش عرضه کرده و میزان را تصوّرات و تخیّلات خودش قرار می‌دهد!

البته این بحث تخصصی و فنی است که به همین مقدار هم به خود حقّ ورود در آن نمی‌دادیم لکن چون بحث تفسیر پیش آمد با استفاده از برخی مأخذ بر آن شدیم که توضیح کوتاهی در تأویل قرآن داده باشیم علاقه‌مندان به این بحث مهمّ می‌توانند به کتب تفسیری از جمله جلد سوم منشور جاوید آیت الله سبحانی مراجعه نمایند.

محکم و متشابه کدامند

در میان مفسّرین بحثی متداول است تحت عنوان آیات محکّمت و متشابهات که این بحث امروزی نیست بلکه سابقه دیرینه دارد آیه‌ای که بیشتر از همه این موضوع را عنوان نموده است آیه شریفه هفتم سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»

اوست که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرد، بخشی از آن محکم که اساس و ریشه کتاب است و قسمتی از آن متشابه می‌باشد. آنها که در دلشان انحراف است به خاطر فتنه‌انگیزی و تأویل طلبی از متشابه پیروی می‌کنند در حالی که تاویل آن را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی‌داند...

گفتنی است که گفته‌اند به خاطر اختلاف در تشخیص محکم از متشابه حتی خود همین آیه‌ای که ذکر شد را نیز از آیات متشابه دانسته‌اند.

محکم از نظر لغت از ریشه حکم گرفته شده که به معنی منع و بازداری است و لذا در زبان عربی به لجام اسب (حکیمه) می‌گویند و آن بدان خاطر است که این لجام و حکیمه او را از حرکت و سرکشی باز می‌دارد و نوعاً در هر جا لغت استحکام و محکم به کار گرفته می‌شود به معنی نفوذناپذیری می‌باشد.

البته در برخی از آیات قرآن از تمامی آیات به عنوان محکم یاد شده است از جمله آیه اول سوره مبارکه هود:

«كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»

این کتابی است که آیات آن استحکام یافته از سوی خداوند حکیم و آگاه تشریح شده است. در حقیقت این آیه که تمامی قرآن را محکم می‌داند اشاره به جریان اتقان و استحکام قرآن مجید دارد و کاری به محکم و متشابهی که به تشخیص های افراد بستگی دارد نخواهد داشت آری با این دیدگاه آیات متشابه هم محکم می‌باشند.

منظور از متشابه چیست؟

در موضوع متشابه صاحب‌نظران بحث‌های فراوانی نموده‌اند تا آنجا که شانزده قول را مرحوم علامه طباطبایی بیان می‌نماید حال اینکه

منظور از متشابه چیست نقل‌های مشهور و غیرمشهوری است که در اینجا به اختصار به برخی از آن نظرات اشاره می‌کنیم:

عده‌ای بر این عقیده‌اند که آیات متشابه در قرآن مجید اشاره به موضوعاتی دارند که از حس و اندیشه پوشیده‌اند و انسان‌های این عالم خاک با ابزار و وسایل شناخت ناقص‌شان قادر به شناخت واقعیت و عمق آنها نیستند مانند روح، جن، بزرخ و... که این‌ها به دلیل آنکه از عالم غیب می‌باشند با این ابزار ظاهری به حقیقت و کُنه آن نمی‌توان پی‌برد و فقط می‌توان به آن‌ها ایمان داشت و مشمول آیه شریفه **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ** شد.

جمعی، متشابهات را حروف مقطعه معنی کرده‌اند و عده‌ای سخنان دیگری را گفته‌اند که برای آگاهی از عمق بحث فنی قرآن نیز باید به کتب تفسیری از جمله المیزان مرحوم علامه طباطبایی مراجعه نمود.

آیاتی در موضوعاتی مهم

قرآن کتابی است که تمامی حقایق را در بردارد و آنچه مورد نیاز بشر است در این مجموعه موجود است در این قسمت از بحث بنا داریم حداقل به فهرست و یا آدرس آیات مربوط به موضوعات عمده اسلام اشاره کنیم.

۱. اسلام در قرآن

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ
لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۱

آیا آن کسی را که خداوند برای اسلام به او شرح صدر عطا کرد و سینه‌اش را گشود و اندیشه‌اش را روش نمود، پس راه بسوی نور پروردگارش روشن گشت، او با سنگدلان تاریکدل که از قساوت، دل‌هایشان از ذکر خدا فارغ و به دور است یکسان می‌باشند؟ همانا این سنگدلان در یک گمراهی روشن و واضحی به سر می‌برند. مجال شرح و تفصیل آیات نیست، بلکه فقط یادآوری و بهانه‌ای است برای تحقیق.

۲. رستگاری در قرآن

از دیدگاه قرآن مجید عواملی که باعث رستگاری می‌باشند، چند چیزند:

تقوی:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

۱- زمر، آیه: ۲۲.

۲- مائده، آیه: ۱۰۰.

از خدا بترسید و تقوی داشته باشید، ای خردمندان باشد که رستگار شوید دیگر موضوعاتی که موجب رستگاری اند.

جهاد:

«جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

و مجاهدت کنید در راه خدا، باشد که رستگار شوید.

پایداری و یاد خدا:

«فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

پس ثابت باشید و خدا را بسیار به یاد آورید، باشد که رستگار شوید.

امر به معروف:

«يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳

امر به معروف و نهی از منکر می کنند و آنان رستگار اند.

ذکر نعمت ها:

«فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۴

۱ - مانند، آیه: ۳۵.

۲ - انفال، آیه: ۴۵.

۳ - آل عمران، آیه: ۱۰۴.

۴ - اعراف، آیه: ۶۹.

پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!

نیایش:

«أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

توبه:

«وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

۳. ترس و امید در قرآن

گفته‌اند ترس و امید باید در شخص مؤمن به میزان یکدیگر و به یک اندازه باشد چرا که اگر امید از حد گذشت و زیاد شد، موجب غرور و انحراف و اگر ترس از سر حد خودش تجاوز کرد نیز موجب یأس و ناامیدی خواهد گردید.

قرآن در یک آیه می‌فرماید:

«فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ»^۳

پس تنها از من بترسید.

۱ - غافر، آیه: ۶۰.

۲ - نور، آیه: ۳۱.

۳ - نحل، آیه: ۵۱.

واژه‌های تَتَّقُونَ، مَتَّقِينَ، یَخْشَوْنَ، جَلَّتْ و خشیه؛ همه و همه مربوط به ترس از خداست که در سوره‌های: انفال، ملک، بقره، حجر و تباّن آیاتش آمده است و آیتی که نوید و امید می‌دهند و موجب دلگرمی و رحمت هستند نیز در قرآن به وفور به چشم می‌خورند از جمله:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱

پیامبر بگو: ای بندگان من که درباره خویش اسراف و زیاده‌روی کردید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خداوند تمام گناهان را می‌آمرزد.

فهرست آیات آمرزش

در سوره‌های زمر، آل عمران، نور، حدید و نحل تعبیر غفور و رحیم که به معنی بخشش و رحمت از سوی خداوند است به چشم می‌خورد.

ایمان در قرآن

در خصوص بحث مهمّ ایمان و صفات مؤمنان نیز آیات فراوانی داریم که از آن جمله‌اند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»^۲

۱- زمر، آیه: ۵۳.

۲. توبه، آیه: ۷۱.

و مردان مؤمن و زنان مؤمنه دوستان یکدیگرند.

نشانه‌های مؤمنان:

اطاعت از خدا و رسول (توبه ۹)

تواضع (فرقان ۶۹)

تضرع (فرقان ۶۵)

سجده در شب (فرقان ۶۴)

نشانه‌ها و علاماتی دیگر در آیات آخر سوره مبارکه فراقان به ترتیب آمده است.

نفاق در قرآن

در قرآن شرح صورت زیبا و سیرت نازیبای افراد منافق و دورو به دفعات آمده است، از آن جمله است:

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ
كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسَدَّدٌ»^۱

و چون به آنان بنگری از اندام (ظاهر آراسته) آن‌ها به شگفت‌آیی و اگر سخن گویند (به خاطر گیرایی سخنانشان) به آنان گوش فرادهی (ولی با این همه) همانند چوب‌های تکیه داده شده بر دیوار، آلتی بی‌اراده و متکی به دشمن می‌باشند.

آیات دیگری که صفات ناپسند آنان (منافقین) را بیان می‌فرماید مانند صفت شایعه سازی آنان در سوره احزاب آیه شصت و صفت جوسازی به سود دشمن، احزاب ۱۳ و همکاری آنان با دشمن در جبهه اقتصاد، منافقون ۷ و بریدن از مردم و پیوند به دشمن، مجادله ۱۴ و حزب شیطان بودن آنان، مجادله ۱۶ و اشاعه فساد از سوی آنان در سوره مبارکه نور آیه ۱۹ و جایگاه قیامتی آنان که درک اسفل است. در آیه شریفه ۱۴۵ نساء به تفصیل آمده است.

نماز در قرآن

نقش مؤثر تربیتی نماز در قرآن مجید در موارد متعددی آمده است.

از جمله آیه ۱۱۴ سوره مبارکه هود:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُؤًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ

يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

و نماز را در دو طرف روزه و گوشه‌ای از شب برپا دار و همانا

حسنات بدی‌ها را می‌زداید.

آیات ۸۳ و ۲۳۸ بقره، ۴۳ نساء، ۱۶۲ انعام، ۱۰۳ توبه، ۲۱

مؤمنون، ۷ لقمان، ۸ فاطر، ۹ جمعه، ۲۰ مزمل، ۴۲ مدثر، ۴ ماعون و ۱۱۴

هود نیز درباره این موضوع مهم هستند.

روزه در قرآن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده همانگونه که بر گذشتگان نیز نوشته و مقرر شده بود شاید که تقوی را پیشه کنید. آیات ۱۸۰ و ۱۸۴ و ۱۸۷ سوره بقره و آیه ۱۳۵ احزاب در باب روزه آمده‌اند.

علم در قرآن

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۲

خداوند درجات آنان که ایمان آورده‌اند و از علم بهره‌هایی بردند را بالا می‌برد و خداوند به هر کاری که می‌کنید آگاه است. آیه ۹ سوره مبارکه زمر و آیه ۱۰۷ سوره اسراء و آیه ۴ سوره علق و آیه ۱۵۱ بقره و ۱۱۴ طه و ۲۸ فاطر، در تعریف و توصیف علم و دانش آمده است و آیاتی هم در مذمت جهل آمده است که آن هم در حقیقت توصیف علم به حساب می‌آید.

۱ - بقره، آیه: ۱۸۳.

۲ - مجادله، آیه: ۱۱.

عمل صالح در قرآن

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ

الْمُسْلِمِينَ»^۱

و کیست که سخنی بهتر از این داشته باشد که به خدا دعوت کند و کار خوب و شایسته انجام دهد و بگوید که من از مسلمانان هستم. درباره موضوع فوق در آیات ۲۱ طور، ۳۷ سبأ، ۷ کهف، ۱۶ جن، ۱۱۴ هود، ۱۳۳ انعام، ۳۹ نجم، ۹۴ انبیاء و ۱۰۲ توبه بحث شده است.

عوامل گمراهی در دیدگاه قرآن

«وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ يَأْتِ الْإِيمَانَ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»^۲

و هر که کفر را به جای ایمان انتخاب کند پس بی گمان از راه راست منحرف شده و به گمراهی روی آورده است. در خصوص موجبات و عوامل انحراف از نظرگاه قرآن باید به آیات ۱ ممتحنه، ۱۲ مائده، ۳۶ احزاب، ۱۴۰ انعام، ۱۶۷ نساء و ۲۳ جائیه مراجعه نمود.

ربا در قرآن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا

۱- فصلت، آیه: ۳۳.

۲- بقره، آیه ۱۰۸.

اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَقْلِحُونَ»^۱

ای مؤمنان ربا را با افزودن های مکرر نخورید و تقوای الهی داشته باشید، شاید رستگار شوید.

آیه ۲۷۵ بقره و ۲۷۶ این سوره، در مذمت این موضوع و این بلیه پلید آمده‌اند.

استعمار در قرآن

«هُوَ الَّذِي كُفِّرَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَ عَلَيْهَا فَاسْتَغْفِرُ لَكُمْ تَوْبًا

إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ»^۲

اوست که شما را از زمین پدید آورد و آبادانی آن را به شما واگذار کرد پس به سوی او باز گردید که پروردگار نزدیک و اجابت کننده است.

همکاری در قرآن

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»^۳

۱ - آل عمران، آیه: ۱۳۰.

۲ - هود، آیه: ۶۱.

۳ - مائده، آیه: ۲.

در راه نیکی و تقوا همکاری کنید و در راه گناه و تجاوز همکاری نکنید و تقوای الهی را پیشه خود کنید که همانا عذاب الهی سخت است.

امتحان در قرآن

بی شک نمره بدون امتحان، نوعی ظلم است و دادن فضیلت و رتبه به افرادی بدون آزمایش، بی عدالتی و اجحاف نسبت به حقوق دیگران خواهد بود، لذا خداوند فرمود:

«وَلْتَبْلُوْا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱

البته شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و نقص در اموال نفوس و فقر در زراعت می‌آزمائیم و بردباران را مژده ده. و آیات ۳۱ سوره محمد، ۲ عنکبوت، ۳۰ فرقان، ۴۹ زمر و ۱۲۵ توبه درباره این موضوع مهم ابتلاء و آزمایش الهی آمده است.

حجاب در قرآن

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا»^۱

ای پیامبر به همسران و دختران و به زنان مؤمنان بگو
روسی‌های خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که شناخته
شوند و مورد آزار و اذیت واقع نشوند بهتر است و خداوند آمرزنده و
مهربان است.

وحدت در قرآن

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ»^۲

تمسک به ریسمان خدا نمائید و از تفرقه و جدایی اجتناب نمایید و
به یادآورید نعمت الهی را.
و در سوره انفال آیه ۶۳ نیز به این موضوع اشاره‌ای دارد.

قیامت در قرآن

«يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنثَىٰ بِمَا مِهْمَ فَمَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ
يَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْمَرُونَ فَتِيلًا»^۳

در روز قیامت هر گروهی از مردم را با پیشوا و امامشان می‌خوانیم
پس هر کس کتاب و نامه عملش در دست راستش قرار گیرد با

۱ - احزاب، آیه: ۵۹.

۲ - آل عمران، آیه: ۱۰۳.

۳ - اسراء، آیه: ۷۱.

خرسندی نامه عملش را می‌خواند و به اندازه پوسته نازک هسته خرمایی به آنان ظلم نمی‌شود.

البته در موضوع تعداد آیات مربوط به معاد و قیامت قائل به ۱۴۰۰ آیه می‌باشند که از جمله آنهاست سوره قیامت، سوره قارعه، سوره عادیات، آیات: ۱۰۱ انبیاء، ۵۱ دخان، ۱۵ محمد، ۱۳ دهر، ۴۵ حجر، ۵۶ اعراف، ۱۵ ابراهیم، ۷۴ طه، ۳۶ فاطر و ۲۹ کهف و آیات فراوان دیگری که مربوط به موضوعات مختلف قیامت می‌باشند آمده است.

جهاد در قرآن

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ

صُدُورَ قَوْمٍ مِّنْهُمْ»^۱

با آنان بجنگید، خداوند آنها را به دست شما عذاب می‌کند و خوارشان می‌سازد و شما را بر آنان پیروز می‌گرداند و (به این وسیله) سینه‌های مؤمنان را شفا می‌بخشد.

آیات ۴۱ و ۴۴ و ۸۸ و ۱۱۱ توبه، ۱۰ حدید، ۷۱ و ۷۷ و ۱۰۲ نساء، ۴۵ و ۶۰ انفال، ۷ و ۸ و ۳۱ و ۳۵ محمد، ۴۷ روم، ۲۱۴ و ۲۵۴ بقره، ۴۰ حج، ۱۲۵ و ۱۵۶ و ۲۰۰ و ۱۲۶ و ۱۴۷ آل عمران و ۱۵ حجرات در خصوص جنگ و صلح آمده است.

۱- توبه، آیه: ۱۴.

ولایت در قرآن

دوستی پیامبر و جانشیان بزرگوارش و خط گرفتن از قول و تأیید آن بزرگواران همان چیزی است که به عنوان ولایت از مؤمنین انتظار می‌رود.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»^۱

و رسول خدا (ﷺ) برای شما بهترین الگو می‌باشد.

در این مبحث نیز به آیات ۴ سوره قلم، ۵۶ و ۱۵۳ و ۲۵۶ احزاب، ۱۲۸ توبه، ۱۴۴ و ۵۰ و ۳۱ و ۱۵۹ آل عمران، ۱۲۷ نحل، ۱۵۷ و ۳۲ اعراف، ۱۵ شوری و در خصوص ولایت اهل بیت پیغمبر (ﷺ) در قرآن نیز می‌توان به آیات ۳۳ احزاب، ۸۳ و ۶۱ آل عمران، ۳۰ فجر، ۵ قصص، ۸۶ هود، ۷۴ زمر، ۱ نحل، ۴ روم، ۱۸۱ اسراء، ۵۵ نور، ۱۲۸ اعراف، ۳۵ مائده و ۲۹ فتح مراجعه نمود.

خانواده در قرآن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ

وَالْحِجَارَةُ...»^۲

۱- احزاب، آیه: ۲۱.

۲- تحریم، آیه: ۶.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خانواده‌تان را از آتش جهنم دور نگه دارید...

در باب مسئله مهمّ فوق، آیات فراوانی است که نشانه آیات را ذیلاً ذکر می‌کنیم، باشد که برای اهل تحقیق راهگشا باشد.

آیه‌های ۲۲۳ و ۴۴ و ۳۳ و ۳۰ سوره مبارکه بقره، ۱۵ سوره زمر، ۲۳ و ۱۳۱ سوره اسراء، ۳۴ عبس، ۳۵ سبأ، ۸۶ شعراء، ۴۶ کهف، ۲۱ طور، ۱۴ تغابن، ۴۹ شوری، ۲۷ نوح، ۵۸ اعراف، ۱۴۰ انعام، ۱۱۵ احقاف، ۵۸ نور، ۲۳ و ۱۱۱ یوسف، ۱۳۱ طه، ۱۰۰ صافات، ۳۸ آل عمران، ۴۰ ابراهیم، ۱۲۱ احزاب.

نفس در قرآن

« وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَآ مَارَةَ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ

رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ »^۱

من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند! پروردگارم آمرزنده و مهربان است

درباره موضوع نفس که به نفس‌های متعدّد اماره، لوأمه، سخاره و... اشاره دارد، آیات فراوانی داریم که به فهرست آن آیات جهت تسهیل در کار محققان اشاره می‌کنیم:

انعام ۹۸، یونس ۵۴، یوسف ۵۳، رعد ۱۱ و ۴۲، نحل ۱۱۱، لقمان ۲۸، سجده ۱۳، زمر ۵۶، حشر ۱۸، نازعات ۴۰، تکویر ۱۳، طارق ۴، فجر ۲۷، نساء ۴۹ و ۱۱۰، اسراء ۱۵ و ۷، نمل ۴۰، عنکبوت ۶، فصلت ۴۶، حشر ۹، قیامت ۱۴، بقره ۲۸ و ۴۴ و ۱۱۰ و ۱۳۰ و ۱۵۵ و ۲۸۴، ذاریات ۲۱ و زمر ۵۳ و...
و آیات دیگری که بعضاً مستقیم با لفظ نفس آمده و مربوط به همان نفس درونی انسان است.

زن در قرآن

«رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ...»^۱

جلوه داده شد برای مردم، دوستی مشتتهیات نفسانی از زنان و پسران ...

موضوع زن که نیمی از جمعیت انسان را تشکیل داده‌اند موضوعی است که موجب بحث و جدل و ادعاهای گوناگون بوده است. گاهی استعمارگران از خدا بی‌خبر از وجود آنان سوء استفاده کرده و به اسم دلسوزی از آنان!! با اهل دین که دستور حجاب و عفاف را برای زنان بیان می‌کرده‌اند دعوا و جدل می‌نموده و می‌نمایند آیات قرآن و احادیث فراوان اهل بیت (علیهم‌السلام) در خصوص این قشر شریف فراوان می‌باشند که به فهرست آنها اشاره می‌کنیم!!

آیات ۱ و ۴ سوره نساء، ۲۹ سوره احزاب، ۳۰ و ۵۹ سوره فتح و آیه ۲۵ سوره حجرات.

مال و ثروت در قرآن

مال و ثروت مانند همه سرمایه‌های دیگر مادی، هم می‌تواند مایه شرافت و فضیلت انسان شوند و هم زمینه‌ای برای فساد و رسوایی. اگر از مسیر حلال به دست آمد و در راه مشروع صرف گردید، مایه خوشبختی و اگر از حرام کسب شده و یا در حرام صرف گردید، مایه بدبختی و شقاوت است.

از طرف دیگر اثر روحی و روانی پول و ثروت و مسائل حقوق مردم و امتحان الهی به وسیله ثروت و فقر و... همه و همه در آیات الهی آمده است که در اینجا نیز به فهرست، اشاره و آدرس آیات را بیان می‌کنیم:

«وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ»^۱

و مال را با آنکه دوستش دارد به خویشاوندان و یتیمان و نیازمندان

دهد...

آیات:

۱۶ و ۳۴ اسراء، ۵۵ مؤمنون، ۸۸ شعراء، ۳۴ اعراف، ۷۷ مریم، ۳۲ همزه، ۲ مسد، ۲۶۱ و ۲۷۴ و ۲۴۷ و ۱۵۵ و ۱۸۸ بقره، ۲۴ و ۳۴ و ۵۴ و

۱۰۳ توبه، ۲ و ۱۰ و ۳۴ و ۱۶۱ نساء، ۲۸ و ۳۶ انفال، ۳۷ سبأ، ۹ مناقفون، ۱۱ افتح، ۱۰ آل عمران، ۸۸ یونس، ۲۴ معارج و ۱۹ حدید، در خصوص بحث اموال می‌باشند.

پیری در قرآن

علاوه بر این که در داستان‌های قرآنی بحث از پیری و پیران روشن ضمیر و حکیمی چون لقمان حکیم شده است و روایات فراوانی هم در مورد احترام به سالمندان و پیران آمده، لکن بر اساس روشی که در این بحث داریم بنایمان این است که به آیات مربوط به موضوع اشاره نمائیم و در اینجا به یکی از آیات اشاره می‌کنیم:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»^۱

خداوند متعال آن کسی است که شما را ابتدا از جسمی ضعیف (نطفه) آفرید. آنگاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی به ضعف و سستی پیری برگردانید که او هر چه بخواهد می‌آفریند زیرا خداوند به همه امور عالم دانا و به هر چه خواهد تواناست.

شبهوت در قرآن

شبهوت در لغت از همان اشتها و خواستن می‌آید و در اصطلاح به دنبال ارضاء غرایز و خواسته‌ها رفتن است. و این از یک طرف به خاطر بودن چنین عاملی در درون و عوامل شیطانی در بیرون جاذبه زیادی دارد.

«زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»^۱

مردم (ظاهر بین دنیاپرست) را آرایش حبّ شهوات نفسانی که عبارتند از: میل به زن‌ها و فرزندان و کیسه‌های زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و نیکو چهارپایان و مزارع و املاک، در نظر زیبا و دلفریب است، لیکن این‌ها همه متاع زندگی دنیای فانی است و نزد خداست همان سرمنزل نیکو.

آیات مربوط به این بحث در قرآن عبارتند از: آیه ۲۷ نساء، ۸۱ اعراف و ۵۹ مریم.

ستارگان در قرآن

تفکر در آفاق و انفس در کهکشان‌ها راه‌هایی به سوی توحید و خداشناسی است که در آیات و احادیث به آنها زیاد سفارش شده است.

«وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۱

و علاماتی قرار داد و به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند. در مورد موضوع فوق یعنی بحث ستاره‌شناسی و اینکه آن‌ها هم در مقابل قدرت پروردگار عالم سجده می‌کنند. آیاتی در قرآن شریف هست که از آن جمله است. سوره مبارکه نجم آیه ۲، سوره الرحمن آیه ۶، طارق ۳، انعام ۹۷، اعراف ۵۴، حج ۱۸، طور ۴۹، واقعه ۷۵ و تکویر ۳.

مرض از دیدگاه قرآن

« فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا

يَكْذِبُونَ»^۲

در دل‌هایشان مرض نفاق است، خداوند نفاقشان را افزون کند و به خاطر دروغ گفتن‌شان عذابی دردناک در پی دارند.

انسانی که دارای جسم است و روح، و گاهی جسمش مبتلا به مرض می‌شود و گاه روحش، گاهی گرفتار مشکل ظاهری و زمانی به مشکل باطنی دچار می‌گردد، آیات متعددی درباره انواع مرض‌های مختلف می‌باشد که از این قرارند:

آیه ۸۰ شعراء، ۴۹ انفال، ۱۲۴ توبه، ۱۲ و ۳۲ و ۶۰ احزاب، ۲۰ و ۲۹ محمد، ۳۱ مدثر، ۶۰ نور، ۱۸۴ و ۱۹۵ بقره، ۴۳ و ۱۰۳ نساء و ۲۰ مزمل.

۱ - نحل، آیه: ۱۶.

۲ - بقره، آیه: ۱۰.

دنیا در قرآن

«قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظَاهَمُونَ فَتِيلًا»^۱

بگو که زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت ابدی، برای هر که خدا ترس باشد بسیار بهتر از دنیاست و در آنجا کمترین ستم درباره کسی نخواهد شد.

آیاتی که درباره دنیا در قرآن مجید پیرامون موقتی بودن دنیا و مقدمه آخرت بودن آن و... وجود دارد از این قرارند:

آیه ۲۰۴ و ۲۰۱ سوره بقره، ۹۴ نساء، ۲۹ و ۷۰ انعام، ۶۷ انفال، ۳۸ توبه، ۲۴ یونس، ۲۷ و ۳۰ ابراهیم، ۱۴ نور، ۷۷ قصص، ۲۰ شوری و ۳۶ محمد.

دعا در قرآن

«وَلَا تُطْرِدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ

مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمِمَّا يَنْحَسِبُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ

فَقَطُّ دُهُورٌ فَتَكُونُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^۲

و کسانی را که پروردگارش را بامدادان و شامگاهان (به نیایش) می خوانند و خشنودی او را می جویند از خود مران چیزی از حساب آنان

۱ - نساء، آیه: ۷۷.

۲ - انعام، آیه: ۵۲.



به تو و چیزی از حساب تو به آنان نیست که آنها را برانی و از ستمکاران شوی.

در موضوع فوق یعنی دعا که موضوعی گسترده و لازم است، آیات فراوانی داریم که از این قرارند:

آیات شریفه ۲۸ کهف، ۱۲۵ نحل، ۱۵ شوری، ۵۵ و ۱۸۹ اعراف، ۱۱۰ اسراء، ۶۵ غافر، ۱۸۶ بقره، ۶۲ نمل، ۲۴ انفال، ۱۳ و ۲۲ و ۱۰۶ یونس، ۳۲ لقمان و ۳۵ محمد.

دین در قرآن

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلِمَةً لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوْا

فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱

با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آئین همه، دین خدا گردد و چنانکه دست از کفر کشیدند خداوند به اعمالشان بصیر و آگاه است.

در خصوص موضوع دین در قرآن، آیاتی است که به آنها اشاره می‌کنیم:

آیه ۲۵۶ سوره بقره، ۱۲۲ توبه، ۱۰۵ یونس، ۴۳ روم، ۹ صف، ۸۵ آل عمران، ۱۲۵ و ۱۷۱ نساء، ۳ و ۵۴ مائده و ۱۵۹ انعام.

تقوی در قرآن

تقوی از وقایه است و به معنای خودنگهداری از لغزش‌ها می‌باشد. اهل ظرافت، انسان با تقوی را به شخصی مثال می‌زنند که روی زمین پر از خارهای تیز، بدون کفش بنای حرکت دارد و می‌خواهد پایش زخم نشود که این کار در عین اینکه بسیار کار سختی است لکن ثمره آن بسیار مهم و ارزشمند است، در قرآن شریف آمده است که:

«بَلِي مَنْ أَوْفَى بَعَهْدِهِ وَآتَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»^۱.

آری هر کس که به عهده خویش وفا کند و تقوی پیشه نماید، خداوند تقوی پیشگان را دوست دارد.

آیاتی که در این زمینه در قرآن کریم است آیات فراوانی است که ذیلاً نشانی آن‌ها را ذکر می‌نماییم:

آیات ۲ و ۲۱ و ۲۰۲ و ۲۱۲ و ۱۹۴ و ۱۹۷ سوره مبارکه بقره، ۱۳۵ اعراف، ۱۷۲ آل عمران، ۲ و ۹۳ و ۱۱۲ مائده، ۹۰ و ۱۰۹ یوسف، ۳۵ رعد، ۱۳ حجرات، ۳۰ و ۱۲۸ نحل، ۲۰ و ۶۱ زمر، ۹ و ۲۸ نساء، ۱۲۹ انفال، ۳۶ محمد، ۲ و ۴ طلاق، ۵۲ نور، ۳۶ توبه، ۴۹ هود، ۵۱ دخان، ۱۵ ذاریات، ۴۱ مرسلات و ۳۱ نبأ.

توکل در قرآن

یکی از مسائل اخلاقی، عقیدتی مسلمانان، توکل بر خداوند بزرگ است و این نکته را باید دانست که توکل، میوه درخت شناخت است، یعنی تا انسان مبدأ جهان هستی را با قدرتی که دارد نشناسد، بر او توکل نخواهد کرد و اگر شناخت بر دیگری غیر از او توکل نخواهد نمود.

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَائِتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۱

خداوند یکتاست که جز او خدایی نیست و تنها بر خدا در جمیع امور، اهل ایمان توکل کنند.

آیاتی که در این باب در قرآن شریف پراکنده است، از این قرارند:
 آیات: ۴۹ و ۶۱ و ۲۹ سوره مبارکه انفال، ۳ طلاق، ۳۰ رعد، ۱۰۱ و ۱۲۲ و ۱۵۹ و ۱۶۰ آل عمران، ۱۳ تغابن، ۴۵ و ۸۱ نساء، ۲۳ مائده، ۸۵ یونس، ۳۶ شوری، ۱۲ و ۵۶ و ۱۲۳ هود، ۱۱۲ ابراهیم، ۴۲ نحل، ۷۹ نمل، ۳ احزاب و ۱۰ شوری.

والدین در قرآن

«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۲

پروردگارا روزی که حساب عرضه می‌شود من و پدر و مادرم و مؤمنان را نیز ببامرز.

۱ - تغابن، آیه: ۱۳.

۲ - ابراهیم، آیه: ۴۱.



در امر مهمّ والدین که احترام آنان، دعای آنان و نفرین آنها از موضوعات مهمّ و مؤثر در زندگی فرزندان می‌باشد، آیاتی داریم که نشانه آنها از این قرارند:

آیه ۱۹ سوره مبارکه نمل، ۲۸ نوح، ۱۱۰ مائده، ۳۲ مریم، ۱۸ شعراء، ۱۵۱ انعام، ۳۶ نساء، ۴۶ کهف و ۷۲ نحل.

علی (علیه السلام) در قرآن

اسم مقدّس علی در قرآن مجید نیامده است، لکن مسمّا و مصداق آن حضرت در آیات بسیاری آمده است و شأن نزول بسیاری از آیات مربوط به علی و خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که علی عضو مؤثر این خانواده می‌باشد، هست که از آن جمله آن آیاتند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ

مِنْكُمْ...»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید...

آیاتی که در شأن حضرت علی (علیه السلام) آمده است، آیات زیادی است که در اینجا فهرست‌وار به بعضی از آن با نشانه آیات اشاره می‌کنیم:



آیات ۳ و ۵۵ و ۶۵ سوره مبارکه مائده، ۶۱ آل عمران، ۱۳۳ احزاب، ۲۳ شوری، ۷۷ حج، ۱۰۵ توبه، ۳۰ و ۱۲۴ و ۱۴۳ بقره، ۴۳ رعد و ۵۹ نساء.

مهدی (عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ) در قرآن

او از اوصیای و اولیاء الهی است و او منتظر جهان و مراد عالمیان است و او موعود تورات و انجیل و زیور و قرآن است و لذا آیات متعددی در وصف اوست و تأویلاً پیرامون آن وجود ذی جود می‌باشد.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...»

وعده داده است خداوند آنانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را جانشین دیگران در زمین قرار دهد چنان‌که صالحان قبل را جانشین در زمین قرار داد و آنان را قدرت دین دهد به آن‌گونه که راضی گردند...

آیات ۶۲ سوره مبارکه نمل، ۳۳ توبه، ۱۰۵ انبیاء، ۳۹ و ۴۱ حج، ۹ صف، ۱۵ ابراهیم، ۲۸ فتح، ۵ قصص، ۸۱ اسراء، ۲۰ لقمان، ۸۲ هود، ۴ شعراء، ۱۰ عنکبوت، ۴۱ شوری، ۱۵۸ انعام، ۱۵ تکویر، ۳ بقره، ۲۲

ذاریات، ۱۷ حدید، ۱۰۴ آل عمران، ۳ مائده، ۸ هود، ۵ اسراء و ۱۵ قلم در این مورد می‌باشند.

عبادت در قرآن

در انسان زمینه تکامل از صفر تا بی‌نهایت موجود است و اگر این انسان در صراط مستقیمی که قرآن برای او مهیا نموده، قرار بگیرد بیشترین استعداد برای رسیدن به کمال را دارد.

البته آن عبادتی که این کمال بی‌نهایت را برای انسان به ارمغان می‌آورد همان عبودیت است نه عبادت ظاهری، همان عبادتی که از ترس جهنم و به طمع بهشت نیست بلکه اظهار کوچکی و خضوع در برابر خداوند بزرگ می‌باشد و این عبادت از نوع همان عبادتی است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمودند: چنان خدایت را عبادت کن که گویا او را می‌بینی، زیرا اگر تو، به ظاهر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.

آیات مربوط به این موضوع از این قرارند:

سوره مبارکه اسراء آیه ۳۳، ذاریات ۵۶، غافر ۶۰، نساء ۱۷۲، رعد ۳۶، نحل ۳۶، نمل ۵۹، فاطر ۲۸، شوری ۱۹، بقره ۱۸۶ و ۲، حجر ۴۲ و ۴۹، انبیاء ۱۰۵ و فجر ۲۹ و... درباره موضوع عبادت در قرآن می‌باشند.

مسجد در قرآن

سنگر مبارزان و پناهگاه اهل دل و محل راز اهل نیاز، مسجد است و علاوه بر تعاریفی که در لسان معصومان (علیهم‌السلام) از آن شده، قرآن نیز



آیات فراوانی با عناوین و موضوعات مختلف درباره آن دارد که از جمله آنهاست:

«وَأَقِمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»^۱

توجه خود را به هنگام عبادت و در هر مسجدی به سوی او نمائید. احتمالاتی که در تفسیر این آیه داده اند، از این قرارند: نمازتان را در مساجد بخوانید، در مساجد رو به طرف قبله داشته باشید، در هر مسجدی که وارد شدید نماز بخوانید. نمازهای روزانه را در مسجد بخوانید، نماز را با نیت خالص به جا آورید. آیات دیگر مربوط به مساجد عبارتند از:

اعراف ۳۱، بقره ۱۱۴ و ۱۷۸، توبه ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹، کهف ۲۱، حج ۴۰، آل عمران ۹۶، نور ۲۴ و ۳۶ و ۳۸، جن ۱۸.



فصل چهارم

دعوت قرآن به :

آئین محکم

بینش و بصیرت

بهترین قصه و تاریخ

تدبّر و اندیشه





دعوت قرآن به:

۱- دعوت به آئینی محکم

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۱

همانا این قرآن به راهی (دینی) رهبری می کند که استوار و محکم و پاینده است.

۲- دعوت به بینش و بصیرت

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۲

این قرآن (موجب) بینش‌هایی برای مردم و هدایت و رحمت برای اهل یقین است.

۳- دعوت به بهترین قصه و تاریخ

«لَمْ يَكُنْ نَقْصٌ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا

الْقُرْآنَ»^۳

نیکوترین قصه‌ها را از طریق وحی قرآنی برای تو نازل کردیم.

۱- اسراء، آیه: ۹.

۲- جاثیه، آیه: ۲۰.

۳- یوسف، آیه: ۳.

۴- دعوت به تدبّر و اندیشه

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱

کتابی را بر تو فرو فرستادیم تا در آیات تدبیر و اندیشه کنند و خردمندان از آن پند گیرند.

۵- دعوت به کتابی بی شبهه

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲

این کتابی است که در استواری آن تردیدی نیست و راهنمای پرهیزکاران است.

۶- دعوت به نور

«فَدَجَاءَ كُرْمِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ»^۳

از جانب خدا برای شما نور و روشنی بخش تاریکی‌ها و کتاب آشکار آمده است.

۱- ص، آیه: ۲۹.

۲- بقره، آیه: ۲.

۳- مائده، آیه: ۱۵.

۷- دعوت به کتابی که کتب آسمانی قبلی را تصدیق می کند

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ»^۱

و این قرآن کتابی است با برکت که آنچه را پیش از آن (از کتب آسمانی) آمده تصدیق می کند.

۸- دعوت به حکمت

«ذَلِكَ تَتْلُوهُ عَلَيْهِمْ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ»^۲

این سخنان که بر تو می خوانیم از آیات الهی و ذکر حکمت های خدای حکیم است.

۹- دعوت به موعظه

«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»^۳

این (کتاب) حجت و بیانی است برای عموم، و پند و موعظه ای برای پرهیزکاران است.

۱۰- دعوت به برهان و منطق

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ بَرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ»

۱ - انعام، آیه: ۹۲.

۲ - آل عمران، آیه: ۵۸.

۳ - آل عمران، آیه: ۱۳۸.



ای مردم! برای (هدایت) شما از جانب خدا برهانی محکم آمد.

۱۱- دعوت به ذکر

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱

البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را (از آسیب حسودان و منکران) محفوظ خواهیم داشت.

۱۲- دعوت به رفع اختلاف

«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا التَّبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ

هُدًى بَرَاحِمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۲

و ما این قرآن بزرگ را بر تو نفرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه مردم اختلاف می‌بینند، روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشی.

۱۳- ابلاغ و انذار

«هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيُلْعَنُوا أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْوَاحِدُ وَ

لِيَذُكَّرَ أُولَئِكَ الْأَبَابِ»^۳

۱- حجر، آیه: ۹.

۲- نحل، آیه: ۶۴.

۳- ابراهیم، آیه: ۵۲.

این (قرآن عظیم) حجت بالغه‌ای برای مردم است تا خلایق از آن پند گرفته و خدا ترس شوند و تا (با تعلیمات آیات توحید آن) عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند و تا صاحبان عقل متذکر و هوشیار گردند.

۱۴- بیان هدایت و بشارت

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى

لِّلْمُسْلِمِينَ»

و ما بر تو این قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند (و راه دین حق را از راه های باطل بنماید) و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد.

۱۵- مبارزه طلبی

«قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ

لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»^۲

بگو ای پیامبر که اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند. و در آیه دیگر می‌فرماید:

۱ نحل، آیه: ۸۹

۲ - اسراء، آیه: ۸۸

«قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ»^۱

بگو ده سوره مانند آن بیاورید.

و در آیه‌ای دیگر می‌گوید:

«قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ»

بگو (اگر می‌توانید با کمک همگان) یک سوره همانند این قرآن

بیاورید و از غیر خدا هرکس را می‌خواهید به کمک بگیرید.

و این تحدی و مبارزه طلبی قرآن نه تنها مربوط به صدر اسلام و

هنگام نزول قرآن است، بلکه امروز هم که عصر ترقی علم و کامپیوتر و

رسیدن به رموز دقایق علمی می‌باشد را نیز شامل است.

۱۶- قرآن و ثبات و آرامش دل

همچنان‌که در احادیث فراوانی آمده است که در زمان بروز فتنه و

شب‌های ظلمانی و تاریک به قرآن پناه ببرید تا نجات یابید. در دوران

اضطراب و زمانی که دغدغه‌های خاطر ذهن و دل انسان‌ها را مشوش و

لرزان می‌کند دستور چنین است که از کتاب وحی الهی اطمینان و

آرامش بگیرید در اینجا بد نیست که به آیه‌ای از سوره مبارکه نحل اشاره

نمائیم که اشاره به روز نزول قرآن و ایجاد ثبات در روح مسلمانان دارد.

«قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى
وَبُشْرَى لِمُسْلِمِينَ»^۱

تو (ای رسول ما، به کافران) بگو که این آیات را روح القدس از
جانب پروردگار من به راستی نازل کرد تا اهل ایمان را در راه خدا ثابت
قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد.

۱۷- قرآن و گلایه پیامبر (ﷺ)

قرآن کتاب هدایتی است که نزول آن بر قلب انسان لیاقت، و حفظ
آن درایت و عمل به آن صلابت و یقین می‌طلبد، قرآن موجب هدایت به
صراط مستقیم است ولی مسلمانان این کتاب ارزشمند که اگر بر کوه
نازل می‌شد در برابرش فروتنی می‌کرد را تنها و مهجور گذاشتند و این
امر موجب تکدر خاطر رسول اعظم اسلام (ﷺ) است.

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۲

در روز قیامت رسول خدا (ﷺ) به شکوه امت در پیش‌گاه خداوند
عرض می‌کند: خدایا این امت من این قرآن بزرگ تو را به کلی متروک
و رها کردند و پیرو کافران شدند.

۱- نحل، آیه: ۱۰۲.

۲- فرقان، آیه: ۳۰.

۱۸- قرآن بهترین سخن

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا»^۱

خدا بهترین سخن را نازل کرد.

هر چه بر عمر زمان می‌گذرد بهترین بودن کلام خدا بیشتر روشن می‌شود آن روز احسن الحدیث بوده و امروز نیز چنین است.

۱۹- قرآن و قلب خاشع

«الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...»^۲

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا خاشع گردد؟!

معنای این آیه آن است که دل و قلب آماده و با خشوع و خالی از کبر و غرور می‌تواند حامل و حاوی قرآن باشد. افتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

۲۰- هر آنچه میسر است قرآن بخوانید

«فَأَقْرُؤْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۳

۱- زمر، آیه: ۲۳.

۲- حدید، آیه: ۱۶.

۳- مزمل، آیه: ۲۰.

آن مقدار از قرآن که برای شما میسور است تلاوت نمائید.

۲۱- راه را بر شیطان ببندید

براستی که اگر مردم قرآن بخوانند راه فعالیت شیطان مسدود خواهد شد.

پس برای خواندن کتاب خدا باید با کمک گرفتن از خداوند شیطان را از خویش برانیم تا بتوانیم دلی که ظرف قرآن باشد و اندیشه‌ای که لایق تدبّر در قرآن باشد داشته باشیم.

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۱

هنگامی که قرآن می‌خوانی از شرّ شیطان مطرود به خدا پناه ببر.

۲۲- قرآن و افساگری مجرمان

«وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ»^۲

به یقین در محضر کتاب خدا خوبان و بدان یکسان نیستند. همچنان که عالم و جاهل یکی نبوده و نور و تاریکی همانند نمی‌باشند.

و این گونه آیات را مفصل بیان می‌کنیم تا راه گناهکاران آشکار شود.

۱- نحل، آیه: ۹۸.

۲- انعام، آیه: ۵۵.

این‌ها و ده‌ها آیه دیگر در فضیلت قرآن و نیز موضوعاتی در این کتاب آسمانی آمده‌اند که ما به دلیل رعایت اختصار و چون بنابراین است که فهرست‌وار موضوعاتی از آیه و حدیث را اشاره کنیم لذا از خیل آیات نورانی قرآنی فعلا صرف نظر کرده و موضوعاتی دیگر را از دیدگاه روایات بررسی می‌کنیم.

فصل پنجم

آداب ظاهری خواندن قرآن

طهارت و پاکی

استعاذه

دعای بعد از تلاوت

گفتن ذکر مناسب در فاصله آیات



آداب ظاهری خواندن قرآن

طهارت و پاکی

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ حَتَّى يَنْتَهَرَ»^۱

نباید بنده خدا اگر پاک نیست قرآن قرائت کند تا زمانی که خود را تطهیر و پاک نماید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «نُظِّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ»^۲

نظیف و پاکیزه نمایید طریق قرآن را.

عرض کردند که طریق قرآن کدام است؟ فرمود: دهان هایتان.

عرض کردند با چه چیز؟ فرمود: به وسیله مسواک کردن.

استعاذه (أعوذ بالله كفتن)

یکی از دستورات خود قرآن که قول خداوند حکیم می‌باشد این

است که زمانی که قرآن می‌خوانی به خدا پناه ببری از شر شیطان رانده شده.

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^۳

۱ - خصال، ج ۲، ص: ۶۲۷.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۲، ص: ۲۲.

۳ - نحل، آیه: ۹۸.

هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه ببر!

دعای بعد از تلاوت

هر کس قرآن بخواند و آن را ختم کند یک دعای مستجاب شده در نزد خداوند دارد، لذا سزاوار است انسان پس از خواندن قرآن دعا کند و بداند که آن دعا به اجابت می‌رسد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْفَاتِحُ الْخَاتِمُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَخْتِمُهُ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»^۱

کسی که قرآن را آغاز نماید و تمام کند، یک دعای مستجاب نزد خداوند دارد.

گفتن ذکر مناسب در فاصله آیات

در سیره امامان و بزرگان دین آمده است که قرآن را با تمام وجود می‌خواندند و هرگاه به آیه عذاب می‌رسیدند؛ أَعُوذُ بِاللَّهِ می‌گفتند و هر وقت به آیه تنزیه می‌رسیدند؛ سبحان الله می‌گفتند.

گوش دادن و سکوت

به احترام قرآن مجید باید هنگام قرائت قرآن سکوت کرد و به آیات الهی گوش فرا داد، خود قرآن مجید می‌فرماید:

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱

و زمانی که قرآن خوانده می‌شود پس به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا موجب رحم الهی قرار گیرید.

حضور قلب

رسول خدا ﷺ فرمود: سزاوار نیست برای حامل قرآن که گمان کند به اینکه به احدی بیش از او چیزی از سوی خدا نازل شده است، زیرا اگر همه دنیا را به انسان بدهند قرآن بهتر است از آنچه او مالک می‌باشد.

«لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِأَسْرِهِا لَكَانَ الْقُرْآنُ أَفْضَلَ مِمَّا مَلَكَه»

اگر همه دنیا را به انسان بدهند قرآن بهتر است از آنچه او مالک می‌باشد.

تدبیر و اندیشه

اگر آیات الهی را بدون تأمل و تدبیر خواندیم، باید بدانیم که آن اثر واقعی را نخواهد بخشید. در مثل باید گفت قرآن آدرس سر منزل مقصود است. اگر آدرس را شخص غریبی سرسری بخواند و دقت نکند همچنان گیج خواهد ماند و به سر منزل مقصود نخواهد رسید.

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ آيَةٍ لَا تَدَّبَّرَ فِيهَا»

خبری در خواندن قرآن در صورتی که تدبیری در آن نباشد نیست.

از آیات قرآن مجید به خزانه علم تعبیر شده است و امام سجاد (علیه السلام) فرمود: هرگاه در خزانه علم به روی شما باز شده سزاوار است که از آن بهره گیرید.

اختصاص دادن آیات قرآن به خویش

قرآن مجید می‌فرماید:

«لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۱

نازل کردیم قرآن را که در آن موجبات تذکر شماست. با این دستور قرآنی لازم است انسان هر آیه‌ای را که می‌خواهد از آن الگو بگیرد، به خویشتن خویش خطاب کند و خود را مخاطب آن آیه حساب نماید.

تأثیر گرفتن از آیات

امیرمؤمنان (علیه السلام) در توصیف مؤمنان با تقوی فرمود: هر گاه به آیه‌ای می‌رسند که در آن تشویق است به سوی آن جلب می‌شوند و جان‌هایشان از شوق به سمت آن می‌رود و گویا آن نعمت را با چشم‌هایشان می‌بینند و به همین دلیل از آیات رحمت خدا خشنود می‌شوند و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش

دل به آن می‌سپارند، و گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین‌افکن است.^۱

ادب

جمله‌ای از تورات حضرت موسی (علیه السلام) نقل شده است که خداوند

فرمود:

ای بنده من آیا حیاء نمی‌کنی از من، که اگر از سوی دوستت نامه‌ای به دست برسد و تو در میان راه باشی به کناری می‌روی و به خاطر خواندن آن نامه می‌نشینی و می‌خوانی و در آن تدبّر می‌کنی و حرف آن را با دقت از نظر می‌گذرانی تا اینکه چیزی از دید تو نیفتد و حال آنکه این نامه و کتاب من است که بسوی تو فرستادم. نظر کن و دقت نما در آن که چقدر حرف‌ها برای تو نوشته و چقدر تکرار کردم تا در آن تأمل و دقت نمایی و عرض و طول آن را بسنجی و بپذیری.

خشوع و خضوع

به هنگام خواندن قرآن، خداوند با ما سخن می‌گوید و در وقت خواندن نماز ما با او سخن می‌گوییم و سزاوار است. همچنان‌که اگر نزد بزرگی سخن می‌گوییم یا سخن او را می‌شنویم با تمام وجود توجه داریم در پیشگاه خداوند به هنگام خواندن قرآن و شنیدن آن خشوع و اظهار کوچکی، سیره ما باشد امام صادق (علیه السلام) فرمود:



«قَارِئُ الْقُرْآنِ مُحْتَاَجٌ إِلَى ثَلَاثَةِ أَسْيَاءَ قَلْبٍ خَاشِعٍ وَبَدَنِ فَارِغٍ
وَمَوْضِعٍ خَالٍ»^۱

تلاوت‌کننده قرآن مجید محتاج به سه امر است: قلب خاشع، بدن فارغ، و محل خلوت.

نشانه قاریان غافل

قاری بی عمل

هر نوع قرآتی در اسلام مطلوب و پسندیده نیست. چه بسا در میان خوانندگان قرآن، افرادی باشند که آیات الهی را بخوانند لکن در آن دقت نمایند و یا به طمع دنیا و درآمدهای مادی و یا برای خودنمائی بخوانند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ... اسْتَوْجِبَ

سَخَطَ اللَّهِ»^۲

هرکسی قرآن فرا گیرد و به آن عمل نکند مستوجب غضب الهی است.

۱- مصباح الشریعه، ص: ۲۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۱۸۳.

قاریان بی ایمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الْقُلُوبُ أَرْبَعَةٌ... قَلْبٌ فِيهِ قُرْآنٌ وَلَيْسَ فِيهِ

إِيمَانٌ»^۱

دل‌ها چهار گونه‌اند... دلی که در آن قرآن باشد ولی ایمان نباشد، چقدر قاریان قرآن در عصر امیرمؤمنان (علیه السلام) بودند، با اینکه عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نیز دیده و سفارشات آن حضرت را از زبان او شنیده بودند. لکن عمل نکرده و فقط به خواندن آیات خدا اکتفا کردند و در مقابل حجت خدا؛ علی (علیه السلام) به دشمنی صف کشیدند و ...

قاری دنیا خواه

اگر قرآن وسیله نان باشد و به قصد رسیدن به دنیا قرائت شود به فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قاری آن مستوجب غضب الهی خواهد بود، مگر این که توبه نماید.



فصل هشتم

نکته ها

اثرگذاری قرآن

صوت زیبا

نذر علامه طبهرسی

استخاره کارساز



نکته‌ها

به در می‌گویند، دیوار بشنود

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِأَيِّكَ أَغْنَىٰ وَأَسْمَعِي يَا جَارَةَ»^۱

امام صادق (ع) فرمودند: قرآن کریم به روش این ضرب‌المثل عربی نازل شده: به تو می‌گویم ولی ای زن همسایه تو گوش بده. در فارسی می‌گویند: به در می‌گویند تا دیوار بشنود

کهنگی ندارد

امام رضا (ع) فرمود: مردی از امام صادق (ع) پرسید: چرا قرآن در درس و نشر همواره تازگی دارد؟ فرمود:

«لَإِنَّ اللَّهَ بَرَّكَ وَتَعَالَىٰ لَمْ يَجْعَلْهُ زَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا نَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَصُؤٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

چون خدای تعالی قرآن را برای عصری غیر عصر دیگر نازل ننموده است پس قرآن در هر زمانی و در نزد هر قومی تا روز قیامت تازه است.

۱ - کافی، ج ۲، ص: ۶۳۱.

۲ - بحار الأنوار، ج ۱۷، ص: ۲۱۳.

وجوه مختلفی دارد

عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) «الْقُرْآنُ عَلَى خَمْسَةِ أَوْجُهٍ حَلَالٌ وَحَرَامٌ وَمُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَأَمْثَالٌ فَأَعْمَلُوا بِالْحَلَالِ وَاجْتَنِبُوا الْحَرَامَ وَاتَّبِعُوا الْمُحْكَمَ وَآمِنُوا بِالْمُتَشَابِهِ وَأَعْتَبُوا بِالْأَمْثَالِ»^۱

رسول گرامی اسلام (ﷺ) فرمود: همانا قرآن کریم بر پنج وجه نازل شده است: حلال و حرام، محکم و متشابه و امثال، به حلال عمل کنید و حرام را واگذارید و به دستور و حکم قرآن عمل کنید و متشابه را ترک گویند و از امثال عبرت بگیرید.

ناسخ و منسوخ دارد

أَنَّ عَلِيًّا (ع) «مَرَّ عَلَى قَاضٍ فَقَالَ أَتَعْرِفُ النَّاسِيخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ قَالَ لَا فَقَالَ هَلَكْتَ وَأَهْلَكْتَ تَأْوِيلُ كُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَى وَجْهِهِ»^۲

علی (ع) بر قاضی‌ای عبور کرد و فرمود: آیا ناسخ را از منسوخ قرآن باز شناخته‌ای؟ گفت: نه، حضرت فرمود: هلاک شدی و دیگران را به هلاکت انداخته‌ای. تأویل هر حرف از قرآن کریم بر وجوه و راه‌های گوناگون است.

۱ - بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۱۸۶.

۲ - بحار الأنوار، ج ۸۹، ص: ۹۵.

تفسیر به رأی ممنوع

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلَيْتَبَوْا أَمْقَعَدَهُ مِنَ

النَّارِ»^۱

هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند، پس باید جایگاه خویش را در آتش آماده کند.

عالمان و آگاهان، حق تفسیر دارند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ مَا يَعْلَمُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

مُلْجَمًا بِلِجَامٍ مِنَ النَّارِ»^۲

هر کس بدون علم و آگاهی در تفسیر قرآن شریف چیزی بگوید، در روز قیامت لجام (دهان بندی) از آتش بر او می‌زنند.

از نکات لازم الذکر این است که:

در احادیث آمده است که چنانچه انسان آیه‌ای را با رأی و نظر خویش تفسیر کند، سپس درست هم از آب درآید باز هم گناه‌کار است زیرا جرأت نموده و کلام خدا را بدون علم و اطلاع مخصوص، تفسیر به رأی و نظر خود نموده است. از امام باقر (علیه السلام) نقل است که دورترین چیز از عقول مردم همانا همین تفسیر قرآن است.

۱ - تفسیر الصافی، ج ۱، ص: ۳۵.

۲ - منیه المرید، ص: ۳۶۹.

قَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام) «لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَقْسِيرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ يَكُونُ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَهُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ مُنْصَرَفٌ عَلَى وَجْهِ»^۱

دورترین چیز از عقول مردم همانا همین تفسیر قرآن است زیرا گاهی آغاز یک آیه درباره یک موضوعی است و وسط آیه در مورد موضوعی دیگر و آخر آیه حرف و مطلب دیگری دارد.

نغمه قرآن از خانه مسلمانان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) «اجْعَلُوا الْيَوْمَ تَكْرِمًا لِلْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ يُسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ وَكَثُرَ خَيْرُهُ وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضُيِّقَ عَلَى أَهْلِهِ وَقَلَّ خَيْرُهُ وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي نُقْصَانٍ»^۲

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بهره‌ای از قرآن کریم را برای خانه‌های خود قرار دهید زیرا در خانه‌ای که قرآن قرائت شود، گشایش برای ساکنان

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص: ۱۹۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص: ۲۰۰.

فراهم آید و خیرش بسیار گردد و ساکنانش تنگ گرفته شود و خیر و برکتش اندک گردد و ساکنان آن در کاستی قرار گیرند.

نگاه به قرآن نیز سفارش شده است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَعْطُوا أَعْيُنَكُمْ حَظَّهَا مِنَ الْعِبَادَةِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا حَظُّهَا مِنَ الْعِبَادَةِ قَالَ النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ وَالتَّفَكُّرُ فِيهِ وَالْإِعْتِبَارُ عِنْدَ عَجَائِبِهِ»

به چشم‌های خود از عبادت بهره دهید، عرض شد یا رسول الله ﷺ بهره چشم از عبادت چیست؟ فرمود نظر کردن به قرآن کریم و تفکر کردن در آن و عبرت گرفتن از عجایب آن.

قرآن و ولایت همراه است

عَنْ أُمِّ سَامَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «وَهُوَ يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنَ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»^۱

ام سلمه رضی الله عنها گفت: از رسول اکرم ﷺ شنیدم می‌فرمود: همانا علی رضی الله عنه با قرآن و قرآن با علی رضی الله عنه است. از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

قرآن به دستور رسول خدا ﷺ جمع آوری شد
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ «أَمَرَ عَلِيًّا بِتَأْلِيفِ الْقُرْآنِ فَالْتَفَهُوَ
 كَتَبَهُ»^۱

به روایت ابن ربیع، رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مأمور به
 تألیف و جمع آوری قرآن کریم فرمود و آن حضرت قرآن را جمع آوری
 کرد و نوشت.

تحریف ممنوع

قَالَ الْأَسَاقِرِيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ
 الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قَبْلِ الرُّوَاةِ»^۲

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا قرآن کریم یکتاست و از پیشگاه
 خدای یکتا، یک حرف (یک عبارت) نازل شده لیکن اختلاف در حروف
 یا قرائت از طرف راویان است.
 می‌گویند امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرآن را به ترتیب نزول جمع آوری کرده
 است و نیز ابن سیرین می‌گوید علی (علیه السلام) در مصحف خود تمام آیات
 ناسخ و منسوخ قرآن را نوشته است.

۱ - مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص: ۴۱.

۲ - کافی، ج ۲، ص: ۶۳۰.

اثرگذاری قرآن

زیبده همسر هارون الرشید، قرآنی قیمتی داشت که آن را با جواهرات نیز تزئین کرده بود، روزی در حین تلاوت به این آیه رسید:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبُّونَ»^۱

به مقام نیکوکاران نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. با خواندن این آیه به فکر فرو رفت و با خود گفت هیچ چیز مثل این قرآن در نزد من دوست داشتنی نیست پس جواهرات آن را فروخت و با پول آن چاه‌های آبی در بیابان‌های حجاز به نتیجه رساند، که هم اکنون بقایای آن چاه‌ها به نام او نامیده می‌شود.

شخصی به محضر رسول خدا ﷺ رسید و پرسید: چه کسی از بهترین صوت قرآن برخوردار است؟ حضرت فرمودند: کسی که چون به قرائتش گوش فرا دهی بنگری که از خدا می‌ترسد.^۲

صوت زیبا

در حالات امام سجاد و امام باقر و برخی دیگر از امامان (علیهم‌السلام) گفته اند: آنقدر قرآن را زیبا قرائت می‌نمودند که رهگذران لحظه‌های متوالی روی پای خود می‌ایستادند تا آن تلاوت را بشنوند.

۱ - آل عمران، آیه: ۹۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۴، ص: ۱۹۵.

گویا هم اکنون نازل می شود

بزرگی می گفت مدت ها که قرآن می خواندم، شیرینی آن را حس نمی کردم، لکن تحوّلی در من ایجاد شد و با لطف و حلاوت کلام خدا آشنا شدم، چنان که هرگاه قرآن می خواندم گویا هم اکنون از زبان رسول خدا (ﷺ) می شنوم.

مرحوم اقبال لاهوری عالم و شاعر نامی پاکستان می گوید: پدرم به من نصیحت می کرد و می گفت: پسرم هرگاه قرآن می خوانی فکر کن که این آیات را هم اکنون جبرئیل بر تو نازل می کند و سخن تازه خداوند است و با این اندیشه اثر قرائت بر من صد چندان شد.

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «لَقَدْ نَجَّى اللَّهُ لِحُلُقِهِ فِي كَلَامِهِ وَلَكِنْ لَا يُبْصِرُونَ»^۱

به خدا قسم خداوند در کلام خود بر خلقش تجلّی کرده است امّا نمی بینند.

نذر علّامه طبرسی

یکی از علماء ارزشمند اسلام و تشیع بنام امین الدین طبرسی دچار سگته شد. اطرافیان که او را مرده می پنداشتند، غسلش دادند و مراحل کفن و دفن را انجام دادند لکن در لحظاتی پس از دفن در قبر به هوش آمد ولی راهی برای نجات نداشت در همان حال نذر کرد که اگر سببی فراهم شود که او نجات پیدا کند. یک دوره قرآن را تفسیر نماید، ساعتی

بعد کفن دزد که همه جا را خلوت دیده بود، آمد و قبر را شکافت و کفن را باز کرد در همان حال شیخ طبرسی دست کفن دزد را گرفت و ماجرا را به او گفت. او هم شیخ را بدوش کشیده، به خانه اش آورد، شیخ مال فراوانی به او داد و او هم به دست شیخ توبه کرد و ایشان هم تفسیر نفیس ارزشمند مجمع البیان را نوشت.

از این داستان نتیجه می‌گیریم که اگر مردم به نذرهایشان جهت دهند و در راه نشر قرآن، حفظ قرآن، یادگیری و یاد دادن قرآن نذر کنند به مراتب بهتر از نذرهای رایج امروز ما می‌باشد.

نفوذ قرآن در جانها

قرآن کلام خداست و مستقیماً با فطرت‌های افراد، سخن می‌گوید و به یقین تأثیر خویش را می‌گذارد. منتها لازمه آن تدبّر و تأمل در محتوای آیات است.

می‌گویند وزیر کشور عراق، پشت سر امام جماعتی به نماز اقتدا کرده بود، امام جماعت در نماز این آیه را تلاوت کرد:

«وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»

به ستمگران تمایل پیدا نکنید که آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت.

وزیر که خود را متمایل به شاه عراق دانسته و بلکه خود را ستمگر می‌دانست، از خوف الهی بی‌هوش شده و به زمین افتاد. وقتی او را به

هوش آوردند و عتت آن را از او پرسیدند، گفت این آیه‌ای را که امام جماعت خواند درباره کسی است که میل به ستمگر کند، پس حال خود ظالم چگونه خواهد بود؟^۱

چشم دل باز کن که...

اگر انسان تمامی پل‌های پشت سر را خراب نکرده باشد، اگر دل سیاه و دچار قساوت نگردیده باشد و اگر مهر غفلت بر آن نخورده باشد، نغمه دلنشین قرآنی کار خودش را می‌کند.

معجزه قرآن در این است که عنان دل‌ها را گرفته و به سوی حق می‌کشاند که نمونه‌های فراوانی از هدایت افراد با شنیدن آیه‌ای از قرآن در تاریخ ما موجود است:

فضیل عیاض از راویان مورد اطمینان امام صادق (علیه السلام) و از زهاد معروف و مجاور خانه خدا بود و در روز عاشورایی از دنیا رفت. در ابتدا راهزن و سارق متبحر بود. یک شب که از دیوار خانه‌ای به قصد سرقت بالا رفت، از یکی از خانه‌های اطراف نوای شخصی بیدار دل به گوشش رسید که مشغول تلاوت این آیه شریفه بود:

«الْمُرْيَانِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ»^۲

۱ - منهج الصادقین، ج ۴، ص: ۴۶۰.

۲ - حدید، آیه: ۱۶.

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده خاضع و نرم گردد؟
 فضیل با شنیدن آن آیه تکانی عجیب خورد و به خود خطاب کرد که این کیست که سخن می‌گوید و روی سخنش با کیست؟! سپس گفت: به تو می‌گویم ای فضیل که از این راه برگردی و توبه کنی، سپس دو سه بار گفت: چرا، آری به خدا وقت آن رسیده، وقت آن رسیده و در یک لحظه تصمیم خود را گرفت و از جمع بدکاران شقی جدا شد و به صف خوبان ملحق گردید و در همان دل شب از دیوار خانه مردم پایین آمده راه خانه خویش در پیش گرفته، در بین راهش به خرابه‌ای رسید، دید جمعی از تجار و بازرگانان از ترس فضیل و دار و دسته‌اش به این خرابه تاریک پناه آورده‌اند و با یکدیگر برنامه ریزی می‌کنند که فضیل در راه است و ما را غارت خواهد کرد. به خود خطاب کرد: عجب سابقه‌ای داری؟ عجب ترسی در دل مردم ایجاد کرده‌ای، جواب خدای این مردم را چه خواهی داد؟ تا کی؟ چرا؟ بالاخره برگشت و مجاور کعبه شد و توبه واقعی نمود و از جمله زهاد بزرگ زمانه گردید.

بذر خوب و زمین مساعد

از حنظله غسیل الملائکه یعنی همان جوان مردی که در شب اول عروسی‌اش، منادی پیامبر (ﷺ) اعلام نیاز به جبهه نمود و او قبل از آنکه غسل کند، راهی رکاب رسول خدا شد و شهید گردید، فرزندی به دنیا آمد به نام عبدالله که ضمیری تابناک و آماده داشت، یک‌بار همین عبدالله آیه‌ای که خبر از آتش جهنم می‌داد به گوشش رسید. آنقدر از

خود بی خود گردید که تاب نشستن و زندگی از او گرفته شد و گریه‌های فراوانی کرد، در جواب کسانی که می‌خواستند او را از گریه خاموش کنند گفت: چه می‌گویید، شاید من یکی از آن جهنمیان باشم.^۱

نسخه کوتاه و اثر بزرگ

می‌گویند: جدّ فرزّدق، شاعر معروف که شنیده بود پیامبری از سوی خدا آمده و در مسجد مشغول موعظه است، به مسجد آمد و اسبش را در درب مسجد بست و در میانه جمعیت کلام رسول خدا ﷺ را قطع کرد و گفت: من به بیابان می‌روم و کار دارم، می‌خواهم چکیده و خلاصه‌ای از دین خودت را برایم بگویی! حضرت در این لحظه حساس باید جمله‌ای سازنده و تکان دهنده بگوید که در یک جمله، یک نسخه کامل باشد، فرمود: حرف حساب و خلاصه حرف ما این است که:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا

يَرَهُ»^۲

پس هر کس به اندازه مثقال ذره‌ای کار خیر کند، آن را می‌بیند و هر کس به همان اندازه کار بد کند نیز آن را می‌بیند.

۱ - قصه‌های قرآن، ص ۹۱.

۲ زلزله، آیات: ۷۸.

می‌گویند این شخص دست به سر گذاشت و از مسجد خارج شده و می‌گفت: حسبی حسبی هی أحمک آیه؛ کافی است، کافی است این بزرگترین نشانه حقانیت است.

نسخه‌ای دیگر

یکی از محدثین می‌گوید: شخصی به نام ابوامید را دیدم که در جای جای مسجد الحرام دو رکعت نماز می‌خواند. جلو رفتم و گفتم: این چه کاری است؟ چرا یک جا نمازهایت را نمی‌خوانی؟ گفت: زیرا در قیامت زمین شهادت می‌دهد و سپس این آیه را تلاوت کرد:

«يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا»^۱

روزی که زمین از حوادث خود خبر می‌دهد.

نسخه‌ای کوتاه‌تر

می‌گویند: نصر بن احمد با تاجی بر سر وارد نیشابور شد، صغیر و کبیر به دیدنش آمدند، با خود خیالات واهی و غرور آمیزی داشت، در یک لحظه به خود آمد و گفت: کسی هست که چند آیه قرآن بخواند. ظریفی که با انتخابی به جا آیه‌ای مناسب پیدا کرد، شروع به تلاوت نمود و این جمله را خواند:

«لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» در روز قیامت سلطنت از کیست؟



شاه از تخت پیاده شد، تاجش را کنار گذاشت و به سجده رفت و گفت:

«لک المک لالی» پادشاهی و حکومت تو را سزااست نه من.

قاری پس از مدّت‌ها از دنیا رفت او را در خواب دیدند و از او پرسیدند: خدا با تو چه کرد؟ گفت: خداوند مرا آمرزید و به من فرمود: تو آن روزی که آیه را قرائت کردی ملک و سلطنت مرا در چشم فلانی «نصر بن احمد» بزرگ داشتی به خاطر آن تو را آمرزیدم.^۱

سوره واقعه و بی نیازی

صحابی بزرگوار پیامبر و مفسّر قرآن یعنی ابن مسعود مریض شد، عثمان خلیفه به دیدنش رفت، پیشنهادهایی به او داد که کمکش کند و او نپذیرفت، در آخر گفت: پولی از بیت المال بدهم؟ گفت: آن روز که نیاز داشتیم ندادی، اکنون که نمی‌خواهم، گفت: برای فرزندانم باشد، گفت: آنها نیاز ندارند زیرا به آنها گفته‌ام هر شب سوره واقعه را بخوانند و مولایم رسول الله ﷺ فرموده است: هرکس این سوره را هرشب بخواند هرگز دچار تنگدستی نمی‌شود.^۲

۱ - تفسیر نیشابوری، ج ۳.

۲ - مجمع البیان، ج ۹، ص: ۳۱۲.

استخاره ای کارساز

می‌گویند سلطان سلیمان، پادشاه عثمانی که از کربلا عازم نجف بود، وقتی که نزدیک حرم امیرمؤمنان (علیه السلام) رسید، از مرکبش پیاده شد تا این مسافت را با پای پیاده برود. مفتی و قاضی آن زمان که از دشمنان امیرمؤمنان بود، آمد و به سلطان گفت که تو سلطان زنده‌ای و علی سلطان مرده، چرا پیاده به زیارت او بروی! بین شاه و قاضی بحث شد تا اینکه به شاه پیشنهاد داد اگر تردید داری با قرآن استخاره کن تا حقیقت بر تو روشن شود. سلطان حرف او را پذیرفت و تفأل به قرآن زد و این آیه آمد:

«فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»^۱

نعلین از پای در آور که اکنون در وادی مقدّس قدم گذارده‌ای. سلطان رو به قاضی کرد و گفت: پیشنهاد تو باعث شده که ما علاوه بر پیاده بودن، پابرهنه شویم کفش‌ها را از پا در آورد و با پای برهنه تا حرم پیاده رفت.^۲

زیور قرآن

قرآنی را که با دانه‌های یاقوت و زبرجد و الماس آراسته بودند از سوی سلطان برای مرحوم آیت الله آقا محمّد باقر معروف به وحید

۱ - طه، آیه: ۱۲.

۲ - حکایت علی با سلاطین، ص: ۱۱۶.

بهیبهانی که از علماء بزرگ اسلام بود آوردند. در خانه را زدند او با آستین بالا زده و قلم در دست در را باز کرد، پس از سلام و احوال پرسی نگاهش به قرآن افتاد و فرمود: این‌ها چیست که بر جلد قرآن نصب شده؟ گفتند: دانه‌های گران‌بهاست که جلد را زینت داده، فرمود: چه جهت دارد که قرآن خدا با این جواهرات حبس شود، این‌ها را بفروشند و خرج مستمندان کنند و قرآن را نگه‌داشته، به آن عمل نمایند.^۱

فصل، مضمون

تحریف

قرآن تحریف نشده

چند دلیل بر عدم تحریف قرآن



تحریف

قرآن تحریف نشده

مرحوم شیخ الطائفه (شیخ طوسی) در تفسیر تبیان می‌فرماید: در بیش و کم شدن قرآن کریم، سخن گفتن و بحث کردن شایسته نیست. زیرا علماء اجماع کرده‌اند بر اینکه قرآن از آنچه در دست می‌باشد بیشتر بوده، باطل است و ظاهر مذهب مسلمانان این است که قرآن نقصانی ندارد.^۱

و در حدیثی از رسول اکرم (ﷺ) اسلام است که فرمود: همانا قرآن کریم نازل نشده است که بخشی از آن، بخشی دیگر را تکذیب کند، بلکه یکدیگر را تصدیق می‌نماید. پس آنچه از قرآن را دانسته‌اید بدان عمل کنید و بر متشابهات آن ایمان آورید.^۲

و نیز در سخنی از حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل است که فرمود: ... و به تحقیق که همه کسانی که قرآن را جمع کرده بودند، کتاب خدا را کامل و مشتمل بر تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ جمع کردند. و در حالی که حرف الف یا لامی از آن ساقط نگشته بود، حاضر کردند. و چون آنان واقف و آگاه شدند که خدای تعالی نام‌های اهل حق و باطل را (در قرآن جمع آوری شده بدست علی) بیان

۱ - مقدمه تفسیر تبیان.

۲ - الدار المنثور، ج ۲، ص: ۸.

فرموده و اگر این امر آشکار گردد نقص عهد و پیمان آنها معلوم خواهد گشت گفتند: ما احتیاجی به این عهد نداریم و ما با داشتن کتابی که در نزد ما است از آن بی نیازیم.

چند دلیل بر عدم تحریف قرآن

پس از نقل دو حدیث از رسول خدا (ﷺ) و امیرمؤمنان (علیه السلام) دالّ بر عدم تحریف قرآن بد نیست به طور اختصار به برخی از دلایل مصونیت قرآن اشاره کنیم تا مشخص شود که با وجود این ادله که بعضی از دهها دلیل می‌باشند. چگونه می‌توان گفته‌های افرادی را قبول کرد که قائل به تحریف قرآن مجید می‌باشند.

الف- وجود حافظان

قرآن از لحظه نزول و قرائت توسط رسول خدا (ﷺ) به افرادی جهت ثبت و ضبط می‌رسید و سپس به دیگران منتقل می‌گشت و در حافظه‌های قوی افراد علاقمند ضبط می‌شد و با چنین مقدمه‌ای مقدور نبود که فصلی یا قسمتی را بر آن بیفزایند و کسی متوجه آن نشود.

ب- وجود اهل دقت

علاوه بر آنچه در مورد حفظ و از بر کردن قرآن گفته شده، عده‌ای با دقت نظر و بنا به سفارش پیامبر (ﷺ) و با در نظر داشتن اهمیت قرآن برای جابه‌جایی یک حرف که بنا بر آن داشتند مخالفت، و حتی اعلان جنگ می‌دادند که دعوی زیدین ثابت با عمر در خصوص حذف واو از و

الَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ سوره توبه آیه ۱۰۰ که خلیفه حساب کار خود را کرد و از تصمیم خود منصرف گردید.

ج - دستور عرضه حدیث بر قرآن

اصل وجود احادیثی در این باب که هر سخنی را باید به قرآن عرضه کرد و اگر چنانچه مطابق آن بود پذیرفت و اگر نه به سینه دیوار کوید را همگان شنیده‌اند و از کتب معتبری همچون اصول کافی جلد ۱ صفحه ۵۵ و تفسیر عیاشی جلد ۱ صفحه ۸ و کنز العمال ج ۸ صفحه ۸۷ و از زبان بزرگانی همچون صاحب تفسیر المیزان به ما منتقل شده است و از دو امام بزرگوار حضرت امام سجاد (علیه السلام) و همچنین امام صادق (علیه السلام) هم نقل شده است.

حال واقعاً اگر قرآن مورد دستبرد و تحریف قرار گرفته بود به این صراحت به ما می‌گفتند که احادیث و سخنان دیگر را با آن منطبق نمائید؟! پس با وجود دستور فوق مبنی بر عرض حدیث بر قرآن، عدم تحریف قرآن مسلم است.

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَمَا خَالَفَ

كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»^۱

هر آنچه موافق کتاب خداست، بگیرید و آنچه با کتاب خدا مخالف است، رها کنید.

د- گواهی تاریخ

نه در زمان شخص رسول الله ﷺ و نه بعد، یعنی دوران امیرمؤمنان (علیه السلام) با نظارت و دقتی که به این امر مهم یعنی حفظ و نگهداری قرآن بود و نه در زمان خلفاء چنین حادثه‌ای را تاریخ گواهی نکرده که کتاب خدا مورد تحریف قرار گرفته باشد. واقع مطلب اگر چنین بلایی نازل می شد و قرآن مورد دستبرد قرار می گرفت، پیامبر ﷺ و علی (علیه السلام) مقابله می کردند حتی به هر قیمتی که تمام می شد و نیز قرآن واقعی را ظاهر می کردند! و حال آنکه چنین قصه‌ای در تاریخ صدر اسلام نداریم و نیز کسی را در آن زمان نشنیده‌ایم که به حضور حضرت علی (علیه السلام) و یا امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بیایند و بگویند قرآن واقعی را به ما نشان بدهید.

علاوه بر همه آنچه ذکر شد اینکه مدعیان تحریف بعضاً مدعی‌اند که صدها و بلکه هزاران آیه از قرآن حذف شده است و حال آنکه بسیاری از صحابه مصاحف و نوشته‌های قرآن را نزد خود به طور دقیق داشتند و افرادی همچون ابوذر قهرمان و آگاه و ابی ابن کعب و امثال این‌ها که برای شنیدن شایعه حذف یک «واو» اعلام جنگ با عثمان می‌کنند را می‌توان بی اطلاع دانست یا بی تفاوت؟! که از کنار چنین حادثه‌ای به راحتی بگذرند.

و مهمتر از همه اینکه خداوند وعده حفظ را داده است:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱

ما قرآن را فرستادیم و ما نگهدار و حافظ آن می‌باشیم. البته مخفی نماند که در عمل به آیات و در موضوعات کتاب خدا و نیز در نوع برداشت از قرآن در طول تاریخ اسلام تحریف‌های معنوی مکرری شده است و هنوز نیز می‌شود که بدون تصرف در لفظ و بدون جابه‌جایی آیات آن در مفهوم آیات، سلیقه‌ها و برداشت‌های شخصی، حکومتی و قبیله‌ای و... را دخالت داده‌اند. دلیل این مطلب را در احادیث منقوله از پیشوایان معصوم می‌توان دید. در آنجا که امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«أَمَّا كِتَابَ اللَّهِ فَحَرِّفُوا»^۲ کتاب خدا را تحریف کردند.

و یا در خطبه امام حسین (علیه السلام) که در مقاتل ثبت شده، در خلال سرزنش‌های متعدد اهل ظلم و طرفداران طاغوت بنی امیه، می‌فرماید:

«فَإِنَّمَا أَنْتُمْ مَن طَوَّغَيْتِ الْأُمَّةَ... وَمُحَرِّفِي الْكِتَابِ وَمُطْفِئِي السُّنَنِ»^۳

شما طاغوت‌های این امت ... و تحریف‌کنندگان قرآن می‌باشید.

۱ - حجر، آیه: ۹.

۲ - بحار الأنوار، ج ۲۳، ص: ۱۴۱.

۳ - بحار الأنوار، ج ۴۵، ص: ۸.

اینها و نمونه‌های دیگری از این قبیل تماماً دلیل بر این هستند که تحریف معنوی در قرآن صورت داده‌اند و ما در بحثمان نمی‌گوییم تحریف معنوی نشده، بلکه می‌گوییم هنوز که هنوز است نیز تحریف معنوی و معنا کردن قرآن با سلیقه‌های مختلف ادامه دارد.

و باز در این باب نیز در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که

فرمود:

« أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ فَهُمْ يَرَوْنَ وَلَا يَرَعُونَ نَهْوَ الْجَهَالِ

يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمُ لِلرَّوَايَةِ وَالْعَامَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمُ لِلرَّعَايَةِ »

حروف قرآن را اقامه کردند و حدودش را تحریف کردند. قرآن را روایت می‌کنند، ولی آن را رعایت نمی‌کنند. جاهلان از اینکه قرآن را حفظ کرده‌اند خوشنودند و علماء از ترک رعایت قرآن غمگین هستند.

و یا امام صادق (علیه السلام) فرمود:

« إِنَّ رُوَاةَ الْكِتَابِ كَثِيرٌ وَإِنَّ رِعَايَةَ قَلِيلٌ »^۱

روایان قرآن زیادند و رعایت کنندگان حدود قرآن کم هستند. آری این‌ها و ده‌ها روایت دیگر همه دلیل بر تحریف معنوی می‌باشند ولی تحریف لفظی به نقل جمع کثیری از علماء صورت نگرفته است.

ه- متواتر بودن قرآن

قرآن متواتر است یعنی آیه و سوره و حروف آن بر زبان همه اهل دین و آشنایان وحی بوده و امروز نیز هست و سخنی که در مقابل این عقیده موجود است بر فرض صحیح بودن سند، خبر واحدی است و این خبر واحد تاب مقاومت در برابر خبر متواتر را ندارد.

مقدّس اردبیلی می گوید:

از برخی از کتب علم اصول فهمیده می شود که اگر عبارتی به یقین معلوم نباشد که قرآن است، تلاوت آن به عنوان قرآن جایز نیست و موجب فسق، بلکه کفر است. پس آنچه به یقین معلوم نیست که جزء قرآن است، باید گفت حتماً جزء قرآن نیست لذا باید آنچه را به عنوان قرآن می خوانیم یقین داشته باشیم که قرآن است و از طریق تواتر بدست آورده باشیم و در هر صورت باید به قرآن بودن آن علم حاصل کنیم.^۱

و- دلیل عقل و صریح قرآن

اولاً کتابی با این عظمت و اهمّیت که بسیاری از افراد جامعه آن را عزیز و مقدّس شمرده اند چگونه مورد دستبرد متجاوزان قرار می گیرد و این همه مریدان و مخلصان آگاه اعتراض نمی کنند؟ مریدانی که

۱ - مصونیت قرآن ص ۳۳ به نقل از مجمع الفائده ج ۲، ص ۲۱۸.

آیه‌هایش، نوع قرائتش، صداها و حروفش را به خوبی می‌دانسته و شناخت کامل از آن داشته‌اند.

مرحوم کاشف الغطا می‌گوید:

آنقدر مسلمانان در ضبط آیه‌ها و حروف قرآنی دقت و اهمیّت به خرج می‌دادند که چنین کاری (تحریف) ممکن نبود. سپس اضافه می‌کند:

جای بسی شگفتی است که کسانی گمان می‌کنند احادیث همه سالم و دست نخورده باقی مانده‌اند و اگر نقص و تحریفی در آن رخ می‌داد آشکار گشته زبانزد همگان می‌شد با این که در طول ۲۰۰ سال بر سر زبان‌ها و در کتاب‌های مختلف می‌گشته است اما همان‌ها می‌گویند: قرآن کریم در مورد دستبرد واقع گردیده و بخشی از آن کم شده ولی این مسئله در تمام دوران‌ها نهان مانده و کسی از آن خبردار نشده است.^۱

ز- معجزه بودن و هم‌آورد طلبی قرآن

اولاً همه مؤمنان به قرآن مجید معتقدند که این کتاب معجزه ماندگار پیامبر اکرم اسلام (ﷺ) است و پس از آمدن تورات و انجیل، این آخرین کتابی است که برای هدایت بشر از سوی پروردگار عالم بر پیامبر اکرم (ﷺ) نازل گردیده است و هیچ باطلی نه از پیش رو و نه از پشت

۱. مصونیت قرآن ص ۳۳ به نقل از مجمع الفائدة ج ۲، ص ۲۱۸.

سر به سراغ آن نمی‌آید. یعنی نه در گذشته و نه در آینده باطل در آن راه نداشته و ندارد.

«لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ...»^۱

ثانیاً همگان می‌دانند که قرآن در چند مورد مبارز طلبیده و در یک جا گفته است اگر می‌توانید کتابی همانند این کتاب بیاورید و در جای فرموده است ده سوره مانند سوره‌هایش و در جای دیگر یک سوره مانند آن بیاورید و در نهایت هم فرمود: اگر از غیر خدا هر که را به کمک بگیرید بر این کار قدرت نخواهید یافت.

«قُلْ لَنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا

يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا يُؤْتُونَكَ بِبَعْضِ لَبْعِ ظَهْرٍ»^۲

با در نظر گرفتن دو مطلب فوق، مدعیان تحریف قرآن می‌خواهند با این ادعا دو مطلب را ثابت کنند و به مراد انحرافی خویش برسند. یعنی اولاً معجزه جاوید بودن قرآن و این که این یادگار ماندگار خداوند که فرموده است: باطلی در آن راه ندارد را از کار بیندازد که اگر در این میدان پیروز شدند به وعده‌های دیگر قرآن شریف نیز اطمینان و خوش بینی نخواهد ماند. و ثانیاً هم‌اورد طلبی قرآن که فرموده است (یک آیه نمی‌توانید بمانند قرآن بیاورید) را از کار بیندازند زیرا تحریف

۱ - فصلت، آیه: ۴۲.

۲ - اسراء، آیه: ۸۸.

یعنی زیاد و یا کم کردن و قائلان به تحریف بعضاً معتقدند که چندین بلکه چند صد آیه از قرآن کم شده است و یا آیاتی بر آن افزوده گشته و در نتیجه القاء این فکر غلطشان چنین نتیجه خواهند گرفت که آوردن همانند قرآن از زبان بشر هم مقدور و ممکن است.

ولی با آیاتی که ذکر شد و اعتقادی که در وجود طرفداران قرآن مجید است هرگز دست ناهلان و نامحرمان به این حریم نرسیده و اگر هم اراده جابجایی آیات یا کم و زیاد کردن آن را داشته‌اند هیچ‌گاه پیروز نشده‌اند. البته ناگفته نماند که اگر بنا بود این کتاب از سوی غیر خدا باشد، اختلاف فراوانی در آن یافت می‌شد.

«وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱

اگر (قرآن) از سوی غیر خدا بود اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. علاوه بر تمامی ادله‌ای که در باب عدم تحریف قرآن و روایات متعددی که از سوی امامان معصوم (علیهم‌السلام) داریم که به صراحت فرموده‌اند در الفاظ قرآن مجید هیچ‌گونه تغییری رخ نداده است و دستان گنه‌کاری فقط آیات آن را به نفع خویش تأویل کرده‌اند که آنان به دلیل این که راسخون در علم و معصوم از خطا و اشتباه نیستند این جرأت خیانت را به خود داده‌اند و الا الفاظ قرآن همان است که در هنگام نزول بوده است.

یک نمونه از احادیث منقوله از معصومین (علیهم السلام) در این باب را به عنوان شاهد ذکر می‌کنیم:

ابو بصیر از شاگردان امین و ممتاز امام صادق (علیه السلام) است، می‌گوید:
 درباره آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که مردم می‌گویند چرا خداوند در این آیه علی (علیه السلام) و خاندانش را نام نبرده است؟

امام فرمود: نماز هم بر پیامبر خدا نازل شد و تعداد رکعات نماز که سه گانه یا چهارگانه است در قرآن نیامده تا اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای آن‌ها تفسیر کرد چند رکعت و چگونه بخوانند و همین‌طور احکام دیگر.^۲
 امام با این بیان ثابت می‌کند که نام حضرت علی (علیه السلام) و دیگر امامان (علیهم السلام) در قرآن نبوده است هر چند مصداق بسیاری از آیات قرآن، علی (علیه السلام) و خاندان او می‌باشد.

این روایت و روایات فراوان دیگری که گاهی درباره تنزیل و تأویل از پیشگاه معصومین (علیهم السلام) پرسیده شده و آنان جواب داده‌اند دلائل محکمی هستند بر اینکه دست نامحرمانی که همیشه در کمین بوده‌اند تا با تحریف قرآن ارزش آن را کم کنند، به ساحت مقدس کتاب خدا بعنوان تحریف نرسیده است.

۱ - نساء آیه: ۵۹.

۲ - کافی، ج ۱، ص: ۲۸۶.

این بود چند دلیل از قول مشهور به نقل از روایات و همچنین واقعیت‌های تاریخی بر عدم تحریف لفظی قرآن مجید.

یک نکته بر همگان روشن است و می‌دانند که تحریف، تعریف‌های متعددی دارد گاهی تحریف در جابه‌جایی قرآن است که به آن تحریف لفظی می‌گویند و زمانی تحریف در زیاده و یا نقصان است و گاهی به تعویض کلمات و گاهی به تحریف موضعی آیات و زمانی به تحریف در قرائت و لهجه هم اطلاق می‌شود و مشهورترین نوع تحریف، تحریف معنوی قرآن است که به حسب ظاهر در شکل و ظاهر آیه تغییری داده نمی‌شود لکن لفظ آیه را با سلیقه و یا بینش خویش معنا می‌کنند.

و نکته دیگری که مشهور است و بسیاری از آشنایان با قرآن مجید می‌دانند این است که قرآن مشهورترین متصدیان امر تحریف را ملت یهود معرفی می‌فرماید:

«وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَرْفُؤْنَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ...»

و عده‌ای از آنان (یهود) سخنان خدا را می‌شنیدند ولی پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند.

فصل هشتم

داستان فضّه خادمه



بانویی که پیوسته با قرآن و عترت بوده است

آری یکی از ارادتمندان واقعی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و یکی از خدمتگذاران بیت امامت و ولایت، بانویی با کمال، یعنی فضا خادمه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است و در کمال و جمال معنوی او همین بس که به مدت بیست سال، تنها و تنها با قرآن سخن می‌گفته است! و داستان آن به نقل از ابوالقاسم قشیری از این قرار است که:

فضّه خادمه، در سفر حجّی و در بیابانی از کاروان خود عقب مانده بوده و با حالت سرگردانی و سر درگمی پیاده طی طریق می‌نموده است و همزمان در آن بیابان، شخصی بنام عبدالله مبارک نیز از کاروان دیگری عقب افتاده و در حالی که بر شتر خود سوار بوده به راه خود ادامه می‌داده است. او گفته است که: ناگهان بانویی را دیدم که او نیز همانند من گویا از کاروانش به دور مانده است، مانده است، بی درنگ نزد او رفتم و حالش را جويا شدم تا در صورت امکان وی را راهنمایی کرده و یاریش دهم، پس از شروع پرسش آنچه لحظه به لحظه بر شگفتی من می‌افزود این بود که: هر پرسش یا گفته مرا فقط و فقط با آیات قرآن جواب می‌داد!!! نخست پرسیدم، کیستی؟

گفت: «قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۱

یعنی سلام کن یا سخن سالم بگو، پس بزودی خواهی دانست

سلام کرده و گفتم: اینجا چه می‌کنی؟

گفت: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ»^۱

کسی را که خداوند هدایت کند هیچ‌گونه گمراه کننده‌ای ندارد.
یعنی فعلاً سرگردانم، اما امیدوارم خدا مرا هدایت کند.

پرسیدم: انسانی یا جنی؟

گفت: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲

ای فرزندان آدم در هر مسجدی زینت‌های خود را بگریید و
آراسته شوید.

فهمیدم که او انسان است.

از او پرسیدم: از کجا می‌آیی؟

پاسخ داد: «يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ»^۳

آنان از فاصله دور و مکانی دور می‌خوانند.

گفتم به کجا می‌خواهی بروی؟

گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنَ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۴

۱ - زمر، آیه: ۳۷.

۲ - اعراف، آیه: ۳۱.

۳ - فصلت، آیه: ۴۴.

۴ - آل عمران، آیه: ۹۷.

و حقی از خداوند بر مردم است که کعبه و خانه او را زیارت کنند.
گفتم: از چه زمانی از کاروان جدا شده‌ای؟
گفت: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ»^۱

ما آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریدیم.
گفتم: به غذا میل داری؟

گفت: «وَمَا جَعَلْنَا لَهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ»^۲
ما پیامبران را بگونه‌ای نیافریدیم که غذا نخورند.
گفتم: شتاب کن تا برویم.

گفت: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۳

خداوند کسی را بیش از اندازه قدرت و توانش تکلیف نکرده است.
فهمیدم خسته و ناتوان است، گفتم: بیا پشت سر من بر مرکب سوار

شو.

گفت: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^۱

۱ - ق، آیه: ۲۸.

۲ - انبیاء، آیه: ۸.

۳ - بقره، آیه: ۲۸۶.



چنانچه در آسمان و زمین غیر از این خدا معبودان و خدایان دیگری نیز بودند هر آینه آسمان و زمین تباه می شد. و آنگاه پیاده شدم و او تنها سوار شتر شد و در این حال این آیه را زمزمه کرد:

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا»^۲

پاک و منزه است خداوندی که این حیوانات را مسخر و در اختیار ما قرار داده است.

رفتیم و رفتیم تا به کاروانش رسیدیم، پرسیدم: از بستگانت در میان کاروان وجود دارد؟ و در صورت بودن نام آنها چیست؟ برای پاسخ به این سؤال این چهار آیه را تلاوت کرد:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^۳

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ»^۴

«يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ»^۵

۱ - انبیاء، آیه: ۲۲.

۲ - زخرف، آیه: ۱۳.

۳ - ص، آیه: ۲۶.

۴ - آل عمران، آیه: ۱۴۴.

۵ - مریم، آیه: ۱۲.

«يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۱

سپس این نام‌ها را با صدای بلند و رسا گفتم و دیدم چهار جوان از قافله جدا شده و می آیند.

پرسیدم: آن جوانان با تو چه نسبتی دارند؟

گفت «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۲

مال و فرزند زینت زندگی و دنیا هستند.

از تلاوت این آیه توسط آن بانو فهمیدم که این جوانان فرزندان او هستند وقتی جوانان آمدند زن به آنان گفت: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ

مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^۳

دختران شعیب گفتند: ای پدر این مرد را برای کارهایت به کار گیر و او را اجرت بده، زیرا او هم توانمند است هم امین. سپس جوانان پاداشی به من دادند، و زن گفت:

«وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»^۴

۱ - قصص، آیه: ۳۰.

۲ - کهف، آیه: ۴۶.

۳ - قصص، آیه: ۲۶.

۴ - بقره، آیه: ۲۶۱.

یعنی اگر این پاداش اندک است، خداوند آن را برای شما مبارک و با برکت گرداند.

پرسیدم: این بانو کیست؟

گفتند: این مادر ما و کنیز حضرت فاطمه (علیها السلام) که بیست سال است که به غیر از قرآن سخنی نگفته است.

آری این است نتیجه و فایده خدمت‌گزاری آستان مقدس و منور اهل بیت (علیهم السلام).

مفتقرا متاب روی از در او به هیچ سوی

زانکه مس وجود را فضا او طلا کند

فصل نهم

حُسن ختام
وظیفه ما در پیشگاه قرآن



وظیفه ما در پیشگاه قرآن

الف - شناخت قرآن

مسلمانان باید بدانند که هدایت و تشخیص صحیح آنان به واسطه قرآن ممکن است و بس:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۱

جداً این قرآن هدایت می‌کند خلق را به راسخ‌ترین و استوارترین راه.

ب - تلاوت قرآن

قرآن برنامه روزانه بشر است و مسلمانان همچون محصلان سخت‌کوشی که برنامه کلاسی خود را در درب ورودی اطاق پیش روی خود نصب می‌کنند باید با این کتاب محشور و مأنوس باشند و لذا در روایات گفته‌اند که حداقل در شبانه روزی بر هر مسلمان است که حداقل پنجاه آیه از قرآن را تلاوت نماید سفارش خود قرآن چنین است که هر چه می‌توانید قرآن بخوانید:

«فَأَقْرءْ وَامَّا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»

آنچه میسر و ممکن است از قرآن را قرائت نمائید.

ج- توجه و استماع قرآن

دیدن و شنیدن کلام خدا برای مسلمانان نورانیت دل به همراه دارد و چه زیباست که با صوت زیبا تلاوت شود و با تمام وجود به این تلاوت توجه گردد. اخیراً که قرائت و صوت و لحن بیشتر رواج پیدا کرده است معمولاً تشویق‌ها برای صوت زیبا و نفس بیشتر و یا لحن و تجوید زیباتر صورت می‌گیرد و چقدر زینده است اگر مفاهیم آیات بر مردم به طوری روشن شود که تشویق‌ها هنگام قرائت آیاتی مانند آیات عظمت خدا و عظمت خلقت و امثال این‌ها صورت بگیرد:

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا»^۱

و هنگامی که قرآن قرائت می‌شود پس گوش فرا دهید و ساکت باشید.

د- عمل به قرآن

تمام آنچه در بالا ذکر شد مقدمه فهم قرآن بود و این مقدمه برای عمل به آن می‌باشد و لذا در زمره شاکیان مسلمانان در روز قیامت رسول اکرم اسلام (ﷺ) است که خواهد گفت خدایا این امت کتاب مرا مهجور قرار دادند پس اگر بخواهیم مشمول این گلایه رسول خدا (ﷺ) نباشیم باید به قرآن عمل کنیم.

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ»



و این کتاب را با برکت نازل کردیم و مبارک است، پس از آن
پیروی نمائید.

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	فصل اول
	نام قرآن در قرآن، قرآن از زبان قرآن، مشخصات ظاهر قرآن، طبقه بندی موضوعات سوره ها، اطلاعات آماری، سه صوت دوست داشتنی، پنج امتیاز در تدوین قرآن، توصیف قرآن در احادیث، فهرست داستان هائی که در قرآن هست، دوران ظهور اسلام
۲۳	فصل دوم
	چهل حدیث قرآنی، قرآن و ارزش حاملان آن، قرآن و فرازی جاوید قرآن و تکلم به آن، قرآن شفیع است، قرآن ثروت است، قرآن برتر است، اهل قرآن، قرآن و باور آن، قرآن و ولایت ائمه (علیهم السلام)، قرآن غریب است، قرآن دل را زنده می کند، قرآن ودل، قرآن امر است ونهی، قرآن ملاک حق است، قرآن بهترین دارو است، قرآن معرف فضیلت عجم است، قرآن عهدنامه خدا با خلق است، قرآن نصیحت کننده بی غرض است، قرآن و احترام به اهل آن، قرآن و تکلم با خدا، قرآن و تعلیم آن به دیگران، قرآن و عمل به آن، قرآن و قرائت افتخاری، قرآن مهمانسراست، قرآن و هدیه به والدین، قرآن و سوره رحمان، قرآن و قلب آن، قرآن و تلاوت قرآن و تلاش در کودکی، قرآن و دفع بلا، قرآن و صوت محزون، قرآن و سوره حمد، قرآن و ارزش حاملان آن، قرآن و صدای خوش، قرآن و بیان

همه چیز، قرآن میراث رسول خداست (ﷺ)، قرآن و لزوم تدبر و عبرت قرآن حاوی اخبار قبل و بعد و حال است، قرآن و حافظان آن

۳۹

فصل سوم

معرفی قرآن صامت از زبان قرآن ناطق، قرآن چارچوبی دارد، چشم داشت مادی توهین به قرآن است، سزای استهزاء قرآن، پاداش قرائت با ترتیل، با نیت صحیح اگر چه قرائت غلط، اثر عمیق قرآن، هر سخنی را با قرآن بسنجید، تفاوت فرقان با قرآن، بزرگترین با عدل ترین، ترسناکترین، امیدوارکننده ترین آیه، اشاره های قرآن، چهار بخش قرآن شفای دل، مجموعه علوم دیروز و امروز و فردا، دارای محکم و متشابه است، تفسیر به رأی و سلیقه شخصی ممنوع، سکوت به هنگام قرائت قرآن، قرآن و فضائل علی، از آگاهان به قرآن بشنویم، تعلیم قرآن، نگاه به قرآن، تلاوت در منزل، قرآن و جوان، عمل به قرآن، قرآن و عترت، درک تفسیر، قرآن از زبان دانشمندان روز، نظر قرآن شناسان شیعه و تفسیر چیست و تأویل کدام است؟، واما تفسیر، شرایط تفسیر خوب، دانستن قواعد عربی، آشنایی با لغات و مفردات قرآن، آگاهی از تفسیر، قرآن به قرآن، تفسیر شأن نزول ها، آشنایی با تاریخ صدر اسلام، اطلاع از تاریخ پیامبران، علم به آیات مکی و مدنی، آگاهی از علوم زمان و بینش های فلسفی، آشنا با لحن حدیث، شناخت هماهنگی و توجه به سیاق آیات، و اما تأویل، چند نکته مختصر پیرامون تأویل، چند نکته مختصر پیرامون تأویل، محکم و متشابه کدامند، منظور از متشابه چیست؟ آیاتی در موضوعات مهم، اسلام در قرآن، رستگاری در قرآن، ترس و

امید در قرآن، ایمان در قرآن، نفاق در قرآن، نماز در قرآن، روزه در قرآن، علم در قرآن، عمل صالح در قرآن، عوامل گمراهی در دیدگاه قرآن، ربا در قرآن، استعمار در قرآن، همکاری در قرآن، امتحان در قرآن، حجاب در قرآن، وحدت در قرآن، قیامت در قرآن، جهاد در قرآن، ولایت در قرآن، خانواده در قرآن، نفس در قرآن، زن در قرآن، مال و ثروت در قرآن، پیری در قرآن، شهوت در قرآن، ستارگان در قرآن، مرض از دیدگاه قرآن، دنیا در قرآن، دعا در قرآن، دین در قرآن، تقوی در قرآن، توکل در قرآن، والدین در قرآن، علی (علیه السلام) در قرآن مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در قرآن، عبادت در قرآن، مسجد در قرآن

۱۰۵

فصل چهارم

دعوت قرآن به... دعوت به آئینی محکم، دعوت به بینش و بصیرت، دعوت به بهترین قصه و تاریخ، دعوت به تدبر و اندیشه، دعوت به کتاب بی شبهه، دعوت به نور، دعوت به کتابی که کتب آسمانی قبلی را تصدیق می‌کند، دعوت به حکمت، دعوت به موعظه، دعوت به برهان و منطق، دعوت به ذکر، دعوت به رفع اختلاف، ابلاغ و انذار، بیان هدایت و بشارت، مبارزه طلبی قرآن و ثبات و آرامش دل، قرآن و گلایه از پیامبر، قرآن بهترین سخن، قرآن و قلب خاشع، هرآنچه میسر است قرآن بخوانید، راه را بر شیطان ببندید، قرآن و افشاگری مجرمان

۱۱۷

فصل پنجم

آداب ظاهری خواندن قرآن، طهارت و پاکی، استعداد، دعای بعد از تلاوت، گفتن ذکر مناسب در فاصله آیات، گوش دادن و سکوت، حضور

قلب، تدبیر و اندیشه، فهم، اختصاص دادن آیات قرآن به خویش، تأثیر گرفتن از آیات، ادب، خشوع و خضوع، نشانه قاریان غافل، قاری بی عمل، قاریان بی ایمان، قاری دنیا خواه

۱۲۷

فصل ششم

نکته‌ها به در می گویند دیوار بشنود، کهنگی ندارد، وجوه مختلفی دارد، ناسخ و منسوخ دارد، تفسیر به رأی ممنوع، عالمان و آگاهان حق تفسیر دارند، نکات لازم الذکر، نغمه قرآن از خانه مسلمانان، سفارش نگاه به قرآن، قرآن و ولایت همراه هستند، قرآن به دستور رسول خدا ﷺ جمع آوری شده، تحریف ممنوع، اثر گذاری قرآن، صوت زیبا، گویا هم اکنون نازل می شود، نذر علامه طبرسی، نفوذ قرآن در جانها، چشم دل باز کن که...، بذر خوب و زمین مساعد، نسخه کوتاه و اثر بزرگ، نسخه ای دیگر نسخه ای کوتاهتر، سوره واقعه و بی نیازی، استخاره ای کار ساز، زیور قرآن

۱۴۵

فصل هفتم

تحریف چند دلیل بر عدم تحریف قرآن، وجود حافظان، وجود اهل دقت، دستور عرضه حدیث بر قرآن، گواهی تاریخ، متواتر بودن قرآن، دلیل عقل و صریح قرآن، معجزه بودن و همورد طلبی قرآن

۱۵۹

فصل هشتم

داستان فضه خادمه، بانویی که پیوسته با قرآن و عترت بوده



حُسن خِتام، وظیفه ما در پیشگاه قرآن، شناخت قرآن، تلاوت قرآن،
توجه و استماع قرآن، عمل به قرآن